

صدور انقلاب اسلامی!!

در دو هفته گذشته هیأت حاکمه کوشید تا با ضلّاح "انقلابیگری" خود را در زمینه سیاست خارجی و "صدور انقلاب" نشان دهد. کوششی که در بسیج و برگزاری "روز قدس" برگزاری کنفرانس قدس و روز عید فطر بعنوان روز جهانی مسلمین متجلی گشت. آنچه مسلم است اینکه در این مراسم در واقع ایده خرد بورژوازی حاکم و نمایندگان فعال سیاسی آن در - و حاکمیت و حزب حاکم ابتکار عمل را بدست داشته است. ابتکار عملی که در برخورد به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی، حمله به نمایندگان مختلف بورژوازی، فلج کردن حتی قابل اعتمادترین این نمایندگان از نظر خرد بورژوازی حاکم (بنی صدر) و ادامه سیاست تعرض به انقلابیون و فعالیتهای انقلابی را شامل میشده است. ابتکار عملی که البته بقا صد بورژوازی در سرکوب انقلابیون و ویژه کمونیستها و جنبشهای انقلابی توده ها (به خصوص در کوردستان) را بر آورده میکند یا در روش درسا زماندهی و برنا مریزی حتی بر ضد خود بورژوازی هم حرکت مینماید. و این تناقض ذاتی خرد بورژوازی و حتی قشر فوقانی و حاکم آنست.

در سیاست خارجی نیز ما شاهد همین خصلت خرد بورژوازی حاکم هستیم. از یکسو "مدور انقلاب" بهم ریختن نظم حاکم در کشورها و به خصوص کشورهای اسلامی و حمایت از جنبشهای آزادیبخش بر علیه "امپریالیسم غرب و شرق" و صهیونیسم نفی ناسیونالیسم بورژوازی

بقیه در صفحه ۲

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند))
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

کانونهای کوچک انقلاب

در گوشه و کنار بسیاری از شهرها کانونهای کوچک انقلاب میدرخشند اینها بساط های جوانان پر شور و مصممی هستند که هر روز از طلوع آفتاب تا شامگاه برای بسط تظاهرات توده های مردم، بر روی سنگفرش کوچه ها و خیابانها پهن میشوند. چشمان جستجوگر مردم هر روز به کتابها و جزوات، اعلامیه ها و نوشته های دیواری بساط خیره میشود. کتابها و جزواتی که حکومت خواندن آنها را تقبیح نموده است، اعلامیه هایی که بسیاری از قایم و مسائل جاری را توضیح میدهند و نوشته های دیواری که بخصوص برای خاطرنشان کردن موضوعات مهم جامعه تهیه شده است. در کنار بساط ها بحث های داغ و زنده سرمیگیرد. رفیقی برای آن کارگر، آن دوره گرد، آن عابرتوضیح میدهد که چگونه میاندیشد و برای چه مبارزه میکند. غالباً افرادی از روی عقیده و گاه بحکم وظیفه (از روی مخالفت، بحث ها و گفتگوهای متحول را به مشاجرات تنبذی

رفقای "پیام روستا" در خراسان طی بیانیه ای اعلام کرده اند که از این پس فعالیت سیاسی خود را تحت عنوان "هوادران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" ادامه خواهند داد. ما ضمن استقبال از اقدام مثبت و اصولی این رفقا در جهت پایان بخشیدن به پراکندگی جنبش کمونیستی و رودان را به عرصه پیچیده تر و از مبارزه طبقاتی در صفوف رزمندگان آزادی طبقه کارگر

بیانیه
★
پیام روستا
(خراسان)
بقیه در صفحه ۹۰

بورژوازی

یک سال و نیم پس از قیام

بنا بر این با توجه به آنچه گفتیم به خصوص از این پس منازعات درون حکومت جنبه سیاسی آشکار خود را بروز میدهد. مشخصاً چندی پیش از تمرکز ف لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان، این اختلافات بروز کرده بود. لیکن پس از تصرف سفارت و گروگان گیری جاسوسان (نمایندگان سیاسی آمریکا در ایران) چهره سیاسی اختلاف آشکارتر گردید. در آن زمان البته اکثر گروههای چپ نتوانستند بدورستی میان آنچه که در سطح میگذشت و آنچه در مقام جریان داشت را رابطه ای برقرار کنند. اختلاف ظاهر درون حکومت را اغلب با "تضاد درون خلق" یا "تضاد ساختگی و در حقیقت یک سناریوی نمایشی" تلقی کردند. اگر بعضی گروهها تلاش کردند که این وقایع را منسوب به بورژوازی ملی (یا جناح چپ بورژوازی ملی!!) نمایند باز هم واقعیت سرخسخت

بقیه در صفحه ۷

روزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۵ دوشنبه ۲۷ مرداد ۵۹ - باضمیمه ۳۵ ریال

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

ترجمه بنده معروف "سرما به داری را از او بستگی جدا میکنند" در یکجا انتساب بیدلیل اعتقاد به تکامل مستقل خودپوی سرما به داری را به رزمندگان بوجود آورد. و در جای دیگر مسئله جدا کردن وابستگی از سرما به داری و بی توجهی به وابستگی را به هر دو این موضوعات تاحسودوی پرداختیم. اما برای اثبات آنکه رزمندگان

در پیک رزمندگان میخوانید:

از کودتای شوم ۲۸ مرداد درس بگیریم

کارگران چون کوهی استوارند
مقابل لغوسود و ویژه ایستاده اند!

ویژه نامه کردستان

حمله وحشیانه پاسداران به خوابگاه
دانشجویی روی ساواک را سفید کرد!

اخبار کارگری اخبار کردستان قهرمان

اخبار کوتاه

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

بقیة صفحه ۱

و اما لایم تا کید میگرد و دویا نیه ها و خطابه های غلاظ و شدا دتیه و تصویب میگرد. البته این تلاشها برای امپریالیسم و صهیونیسم و حکومتی مرتجع منطقه کاطنا خود شاپندانست. اما از سوی دیگر این تحریکات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خطی ارتجاعی نیز دارد. هم از لحاظ ایده سیاسی که از سوی خرده بورژوازی حاکم دنبال میشود هم از لحاظ پرا تیک مشخص حمایت از جریانات سیاسی ضد کمونیستی!

آنچه از نظرایده سیاسی در تلاشهای بین المللی خرده بورژوازی حاکم مورد تاکید قرار میگیرد "مدور انقلاب اسلامی" برای تحقق بخشیدن به رویاهای پان اسلامیست. آنست. این تلاشها اجبارا با مفهوم ملیت و ناسیونالیسم بورژوازی مخالفت و منفع اسلامی و امت واحد و انترناسیونالیسم اسلامی بر آن حمله و میشود. اما از آنجا که محتوای این ایده چیزی جز بدست آوردن نفوذ سیاسی روحانیت بانکیه بر پایگاههای اجتماعی آن در کشور نیست. و از آنجا که این روحانیت و پایگاههای اجتماعی آن و مناسبات آنها با امپریالیسم و حکومتها در کشورهای مختلف غالباً کیفیتی ضد کمونیستی دارد، بنابراین، این ایده ایده ای ضد امپریالیستی و در عین حال ارتجاعی است. بعلاوه پرا تیک این چنین حرکت سیاسی تا آنجا که واقعیت نشان میدهد عموماً تمایل به همکاری، حمایت و کمک نسبت به جریانات سیاسی و جنبشهایی است که خود را از موضع دموکراتیک در عصر ما یعنی عصر امپریالیسم بلکه از موضعی واپسگرا - یا نه از موضعی که خواهان حاکمیت دموکراتیک بوده ها نیست، با امپریالیسم و بورژوازی تضاد دارند. این چنین تناقضی، هم در تئوری و ایده ها، هم در پرا تیک مبین هیچ چیز جز مبارزه از موضع خرده بورژوازی ارتجاعی با امپریالیسم و بورژوازی نیست.

برای مثال به همین مسئله "قدس" میتوان رجوع نمود. سالهاست که صهیونیستها فلسطین را به اشغال خود در آورده و آن را به یک از مهم ترین پایگاههای امپریالیسم

آمریکا تبدیل کرده اند. سیاست توسعه طلبی اسرائیل از طریق جنگهای پی در پی، سلطه صهیونیسم را تا مرزهای امروزی آن رسانده است. در میان نیروهای مختلفی که با انگیزه های گوناگون طبقاتی با صهیونیسم مبارزه میکنند ایده ارتجاعی ضدیت با "قوم یهود" و تبدیل مبارزه انقلابی خلق فلسطین و متحدین آن ها در سایر کشورهای عربی به یک مبارزه مذهبی اسلامی همواره یکی از موانع رشد حقیقی جنبش انقلابی بر علیه صهیونیسم بوده است. بر اساس این ایده ارتجاعی فلسطین "ارض موعود یهودیان" نیست بلکه "ارض موعود مسلمانان" است (۱)

ورزید که با بدستام اهالی اسرائیل را به دریا ریخت و این "اشغالگر" آن یهودی سرزمین اسلامی "رانا" بود که دویت المقدس را به صاحبان اصلی آن یعنی مسلمانان بازگرداند. و البته در دنبال گفتار خود خواهان اتحاد تمام مسلمانان بر ای این "جهاد مقدس" گردید. این اراجیف اگر چه بر علیه و در ضدیت با اسرائیل و امپریالیسم پیشینیا و اواظهار میشود، اما از یک لحاظ بسو آنهاست. زیرا نتیجه ای جز تأیید رهبری ضد انقلابی بورژوازی صهیونیست اسرائیل بر توده های یهود که بلافاصله موجودیت خود را در خطر می بینند ندارد. و هم چنین از این لحاظ که محورا اتحاد نیروهای

سیاست بین المللی خرده بورژوازی حاکم در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم درست بخاطر خصوصیت ضد کمونیستی و خصوصیت پان اسلامیستی که میل به اتحاد با نیروهای ضد کمونیست در کشورهای مختلف میکند، خطی ارتجاعی دارد. اجرای چنین سیاستی بعنوان حرکات معین اگر چه قابل استفاده جنبش بین المللی و کارگری و نهضت های رهایی بخش بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم میباشد اما بهیچ وجه بعنوان یک سیاست قابل حمایت نیست.

و دمکرات انقلابی قرار گیرد. اما از آنجا که این خرده بورژوازی ارتجاعی آگاهانه میکوشد که خطی متمایز بر علیه کمونیستها و دمکراتهای انقلابی را دنبال کند، در نهایت بسود و نفع انقلاب بر علیه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی نخواهد بود. این حرکتها بخوبی نشان دهنده تناقض خرده بورژوازی را در خود مجسم میکند، که از طرفی با بورژوازی از یک بزرگ و امپریالیسم میستیزد و از طرف دیگر از پارتا و خشیت داشته، و از آن میگریزد. از طرفی در ضدیت با امپریالیسم و بورژوازی بزرگ قرار دارد، و از طرف دیگر از تجاعی است.

ضدیت با کمونیسم، ضدیت با اتحاد انقلابی توده های زحمتکش، ضدیت با جنبشهای انقلابی که به رهبری کمونیستها و دمکراتهای انقلابی برپا میشود و بالاخره تشکیل جبهه ای دیگر بر علیه کمونیستها اینست آنچه پان اسلامیسم یا بعبارت دیگر صهیونیسم مذهبی روحنیت در خدمت آن در میآید. و این است خطی ارتجاعی سیاست بین المللی خرده بورژوازی ارتجاعی. علاوه بر خطی ارتجاعی ایده سیاسی خرده بورژوازی حاکم که علی رغم ضدیت آن با امپریالیسم و صهیونیسم بروز میکند، این خطی در عملکردهای مشخص بین المللی آن نیز بوضوح دیده میشود. از یک سو

ضد صهیونیسم را اسلام قرار میدهند که از ملک حسین گرفته تا کارگر آواره فلسطینی را شامل میشود البته منفع ارتجاع عرب است که دائماً در پی غصب رهبری جنبش خلق فلسطین میباشد. اکثر سازمانهای با اصطلاح "نجات بخش" شرکت کننده در کنفرانس قدس نیز ایده های بهتر از این ایده خرده بورژوازی ارتجاعی نداشته اند.

آیت الله خمینی که بقول مداح معروف فخرالدین حجازی "ایران برای اوست" است و باید بر جهان حکومت کند. در سخنرانی روز عید فطر بگونه ای دیگر ایده فوق را بیان نمود. سخنرانی وی در مقابل بل سفرای "کشورهای اسلامی" به نمایندگی سفیر سومالی و در معیت صادق قطب زاده ایراد شد که خود نمودار دیگری از ترکیب طبقاتی اتحاد اسلامی بین المللی است (۲). در این سخنرانی وی به دولتتها نصیحت کرد که با مسلمانان کشورهای خود همراهی نکنند و متذکر شد که او بر ای "آشتی دولتها و ملتتها" تلاش میکند، البته بشرط آنکه دولتها نیز به نهضت اسلامی آنها بپیوندند. جالب اینجاست که اگر چه در سخنان "رهبر جمهوری اسلامی" ایران مشکل مسلمانان "کشورهای دیگر" دولتها این کشورها "ذکر میشود و از این لحاظ جنبه های نامطلوب و تحریک کننده بر علیه ایشان

یا بعبارت دیگر فلسطین "سرزمین اسلامی" است که قدس (بیت المقدس) مرکز آنست. این ایده ارتجاعی همواره میکوشد است با اتحاد توده های زحمتکش خلق فلسطین برای سرنگونی صهیونیسم و بنای حکومتی دمکراتیک و انقلابی که در آن سیادت طبقات انقلابی به رهبری طبقه کارگر بجا آید. اما نعت بعمل آورد. این ایده با لعن اتحاد مسلمانان را علی رغم هر قشر و طبقه ای که باشد تومی نمود و در نتیجه عمدتاً نهضت های شوونیستی مذهبی که طبقه رهبری آن در دست طبقات ضد کمونیست فلسطینی و کلاً عرب میباشد را حمایت میکرده است. و این همان ایده ای است که خرده بورژوازی مرفه سنتی حاکم در ایران دنبال و بر این پایه روز قدس و کنفرانس قدس را برپا میکند.

هاشمی رئیسجانی در کنفرانس قدس مبلغ همین ایده ارتجاعی بود. او به صراحت گفته ای که به نا صر رئیس جمهور فقید مصر منسوب است "تکرار کرد و پرا تیک است" این نسبت از سوی دستگایهای تبلیغاتی صهیونیستی و امپریالیستی به ناصرا داده شده و بعنوان یکی از محورهای تهمینج و تحریک یهودیان جهان در دفاع از صهیونیسم و متحد نمودن ساکنان "اسرائیل" بحول سیاست دولت صهیونیست بکار برنده شده است.

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به ...

در گذشته خلاف آنچه را بیکار به وی نسبت می‌دهد، بارها و بارها ابراز داشته، به نشریات قبلی رزمندگان و از جمله همان نشریه‌یی که مسعود استناد بیکار قرار گرفته، نگاه می‌اندازیم:

"بهر حال، با استقرار حاکمیت مناسبات سرمایه‌داری و درهم شکستن ستون فقرات فئودالیزم بر اثر فرم فدا نقلابی ۴۲ و رشد وسیع اما منحن سرمایه‌داری... با این وجود، سرمایه‌داری ایران وابسته و تحت سلطه امپریالیسم می‌باشد و امپریالیسم خود تاشیری قاطع در حاکمیت سرمایه‌داری و از بین بردن مناسبات ماقبل سرمایه‌داری داشت، سرمایه‌داری که امپریالیسم

پیوسته و بهر طریق، بخشی از ارزش اضافی حاصله در ایران را از سیکل باز تولید در ایران خارج می‌کند، و بدین طریق منافع مونیپولهای امپریالیستی و کشورهای متروپل را برآورده می‌سازد. سرمایه‌داری ایران نه تنها در خدمت سرمایه‌داری ایران وابسته که در خدمت سرمایه‌ جهانی است، و وابستگی سرمایه‌ نیز از ضروریات حرکت سرمایه‌ در زمان است. (در کشورهای مثل ایران) بنا بر این، بمجرد اینکه بخواهیم وابستگی را از سرمایه و اقتصاد خود حذف کنیم، سرمایه خود نیز باید ضربه اساسی بخورد و سلطه آن درهم شکند. زیرا سرمایه‌داری ایران نمیتواند حرکت مستقلی از کل سرمایه‌ جهانی یا سرمایه‌ مالی امپریالیسم داشته باشد. لیکن در عین حال که امپریالیسم در پیده ما بمشابه سرمایه‌ مالی به عاملی درونی تبدیل شده است، وجه مستقل خود را نیز دارد. و این همان امپریالیست‌های مشخص از قبیل آمریکا با غرب

آیا همه جوش و خروش بیکار بر علیه رزمندگان در مورد "طبقه بورژوازی وابسته" و ایراد آنها موضع گیری چپ روانه و شبه تروتسکیستی به رزمندگان ناشی از همین بیفتش "راست" بیکار "مبنی بر اعتقادش به وجود بورژوازی غیر وابسته" نمیشد؟

و بورژوازی داخلی به ایران ارزانی میداشت، سرمایه‌داری منحن و گندیده عصر امپریالیسم وزائده بمقدار نظام سرمایه‌داری جهانی بود. و الزاماً با رتبه‌های مشکلات و مصائب عمر گندیدگی و زوال سرمایه‌داری را حتی بمراتب شدیدتر با خود حمل میکرد. و مهمترین آنکه با استقرار حاکمیت سرمایه‌داری در ایران منابع ثروت و دسترنج کارگران و زحمتکشان با شدت و وسعت بیشتری بتاراج امپریالیست‌ها میرفت، رشد و توسعه نیروهای تولید داخل کشور - هر چند بصورت وابسته، منحن و کاملاً ناموزون - زمینه‌ساز بهره‌برداری جدید از بسیاری منابع کشور و استخراج بیشتر ارزش اضافی از کارگران و زحمتکشان بسود بورژوازی وابسته و امپریالیسم گردید.

"رزمندگان شماره ۶ ص ۸ تاکید از ما ست" در اینجا رزمندگان بصراحت از نقش و تاثیر قطعی امپریالیسم در حاکم شدن سرمایه‌داری وابسته در ایران سخن گفته است، اما بیکار گویا فقط با خواندن یک شماره از "رزمندگان" قصد نوشتن نقد را پیش گرفته است. اما نمیکار به همان یک شماره رزمندگان هم توجه لازم ننموده است. چنانکه در همان شماره رزمندگان در جهت خلاف برداشتهای بیکار چنین آمده است:

"این هواداران سرسخت استقلال معتقدند که وابستگی را در ایران باید نادیده گرفت، نه سرمایه‌داری وابسته را! آنها عملاً با جدا کردن وابستگی از سرمایه و قرار دادن آن در برابر استقلال، از کلیه طبقات و احاد مردم میخواهند که با هم متحدانه استقلال کشور کمک کنند."

شماره ۸ رزمندگان ص ۶ تاکید اول از ما ست. "هر کس میداند که سرمایه وابسته در ایران

رزمندگان شماره ۱۴ ص ۸، تاکید از ما ست. "اینکه سلطه و بهره‌کشی و غارت امپریالیسم بر کشورهای تحت سلطه با نظام سرمایه‌داری وابسته دقیقاً وابسته به سلطه مناسبات اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری وابسته است، امری آشکار است. اما می‌بینیم در پس این گفته‌های رزمندگان چه دید و تحلیلی نهفته است. و نتایج ناگزیر این تحلیلها چه خواهد بود. بر اساس نقل قول فوق و دید رزمندگان، گویا ابتدا سرمایه‌داری در ایران بطور خودیونکا مل یافته و مستقلاً استقرار می‌یابد، و سپس طی روندی وابسته میشود. و با در حقیقت وابستگی بر آن سوار میشود. و در چنین حالتی "دینا میک خاص خود را را است" و "ساخته بلا را ده" امپریالیسم نیست. (با این معنی که عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است) در عین حال رزمندگان وقتی از طبقه بورژوازی وابسته صحبت میکنند، باز هم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضیه منکس میکنند و آن اینکه گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌ مالی امپریالیسم بوده و تا منفر استخوان وابسته هستند. "بیکار ۶۲، ضمیمه

از خواننده عزیز پوز میخوایم که چنین نقل قول درازی را از بیکار آوردیم، ولی از آنجا که در این طور بخوبی نحوه استدلال و نتیجه‌گیری بیکار را از سخنان دیگران میتوان مشاهده کرد، بناچار و با وجود رنجیده و خسته شدن خواننده، آنها را نقل کردیم.

"رزمندگان" در عبارات استنادی بیکار نوشته است:

"بخصوص که این پایگاه یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی وابسته ساخته بلا را ده امپریالیسم نباشد، و علیرغم وابستگی و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری، دینا میک خاص خود را را است. در اینجا بیروشنی رزمندگان در درجه اول بروابستگی سیستم سرمایه‌داری وابسته و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری انگشت می‌گذارد، و سپس از دینا میک خاص آن سخن میگوید، توجه کنید دینا میک خاص نه دینا میک مستقل یعنی آنکه نخواهید شنید. ای از نقل قول رزمندگان در میباید که سیستم سرمایه‌داری وابسته که، والا وابسته است و تا دنیا دینا میک خاص خود را دارد، بعبارت دیگر استقلال نسبی دارد و انگهی این نظر که سرمایه‌داری وابسته ایران در درجه اول و بصورت غالب وابسته است، و در عین حال استقلال نسبی دارد، بکرات در دیگر نوشته‌های رزمندگان آمده است، اما ببینید که بیکار چگونه از آن عبارات نتیجه میگیرد:

"به این معنی که عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است" چه جالب! بیکار از عبارت "دینا میک خاص خود را علیرغم وابستگی دارد، یا ساخته بلا را ده" امپریالیسم نیست "عمدتاً دارای استقلال خاص خویش است" را استنباط میکند. چه یاد کرد؟ این نوع نتیجه‌گیری را که در قوطی هیچ عطاری

یا ژاپن میباید شد. همانجا نه، بنظر میرسد که بیکار همان یک مقاله "رزمندگان" را بدقت بررسی نکرده است، و گرنه در یک نقدی که مضمون آن مباحثه رژه آیدولوژیک در جهت وحدت میباید، حتماً میبایست به این مطلب توجه شود، که برداشت ما در قسمتهای دیگر مقاله و نشریه تأیید شده است یا نه! موضوع وقتی جالب میشود که بیکار در اثبات آن انتسابات عذیده به رزمندگان از شماره‌های دیگر "رزمندگان" حجت میآورد، بیکار مینویسد:

"اما قضیه به همین جا خاتمه نمیشود و با نحر اف رزمندگان در تحلیل ساختار جامعه عمیق‌تر از آن است که در سایر نوشته‌های بیرون زندان آنها میگوید: "... موفقیت یا شکست عملکرد امپریالیسم موکول و منوط به داشتن پایگاه مناسب در ایران است که بدون وجود این پایگاه امپریالیسم هرگز نمیتواند بر بنا می‌ها و منافع خویش را پیش ببرد. بخصوص که این پایگاه ساخته بلا را ده امپریالیسم نباشد. و علیرغم وابستگی و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری، دینا میک خاص خود را را است. عملکرد امپریالیسم از نظر سلطه و بهره‌کشی بی حساب دقیقاً منوط و در گرو تأدی که پایگاه آن یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی میباید شد. بدون تسلط مناسبات اقتصادی - اجتماعی و طبعاً طبقه خاصی که امپریالیسم از طریق آنها به غارت و بهره‌کشی خود ادامه میدهد و بدون تسلط گروه‌هایی که منافع امپریالیسم را تأمین میکنند امپریالیسم نمیتواند سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی را بر این کشور اعمال نماید. "رزم

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

نگاهی به ...

پیدا نمی‌شود، ناشی از توجه دقیق پیکار با دشمن، یا حمل برج‌دیگری نکنیم. بخصوص که این نوع نتیجه‌گیری و استنباط تنها همین یک مورد نیست. مثلا در همان قسمت رزمندگان می‌نویسد: "ملک‌کرد امپریالیسم از نظر سلطه و بهره‌کشی بی حساب و دقیق منوط و درگرو آماجی پایگاه آن، یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی وابسته می‌باشد. بدون تسلط مناسبات اقتصادی اجتماعی و طبعا طبقه خاصی که امپریالیسم از طریق آنها به غارت و بهره‌کشی خود ادامه می‌دهد و بدون تسلط گروه‌هایی که منافع امپریالیسم را تامین می‌کنند، امپریالیسم نمیتواند سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی را بر این کشور اعمال کند." همانجا

اما پیکار چنین برداشت و نتیجه‌گیری میکند: "در عین حال رزمندگان وقتی از طبقه بورژوازی وابسته صحبت می‌کنند، باز هم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضیه منعکس می‌کنند، و آن اینکه گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌دالی امپریالیستی بوده. و تا مغز استخوان وابسته هستند." همانجا

بنظر می‌رسد که پیکار برای کودکان دبستانی تلم می‌زند. و گرنه "طبقه بورژوازی وابسته" کجا و "گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌دالی امپریالیستی بوده، و تا مغز استخوان وابسته است" کجا؟ یا شاید پیکار رگمان می‌کند که با دسته‌گوران طرف است. از خواننده و نیز پیکار انتظار داریم که چندبار عبارت بالای رزمندگان را مجدداً بخوانند، و ببینند که منظور رزمندگان این بوده است که "کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌دالی امپریالیستی است"؟! *

اگر پیکار عبارت "طبقه بورژوازی وابسته" را از سر مخالفت دارد، و از جهت معنا و مفهوم با مرز بندی می‌کند لازم است که آنرا بصراحت و آرا اعلام کند، اگر پیکار می‌خواهد از "بورژوازی" وسط بگیرد و بگوید خود که در پیکار شماره ۲۴ یاد می‌دهد، جانی ندارد، شما بدو سنگ غیروا بسته‌ها را بخشی از بورژوازی ایران را بسته می‌زد، و این را نیز باید بصراحت باز گویند. نه اینکه از عبارت "طبقه بورژوازی وابسته" برآشفته شود و بجای آنکه مستقیماً با این عبارت مخالفت و مرز بندی آید، آنرا خمل‌بر اعتقاد سرمایه‌داری مستقل و دیوانه کند.

اگر پیکار هنوز از بند توهمات مربوط به بورژوازی ملی خود را خلاص ننموده است، اگر پیکار از توبه معروفش را در آستان با اصطلاح بورژوازی و قبول اینکه بورژوازی لیبرال ملی ایران وجود دارد، شکسته است. بخصوص که در شماره ۱۰۲۲ این بورژوازی ملی را عوض می‌کند، و بصورت "بورژوازی متوسط غیروا بسته" درمی‌آورد، باید بوضوح و بصراحت در برابر عبارت "طبقه بورژوازی وابسته" که همان طبقه بورژوازی ایران می‌باشد، قد علم کند، و به مخالفت با آن

بپردازد. شایسته که "طبقه بورژوازی وابسته" رزمندگان را با دستکاری بصورت "گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌دالی امپریالیستی بوده، و تا مغز استخوان وابسته هستند" در آورده تا ساده و آسان ده‌یخوا آن مخالفت کند. نگندید پیکار ریزبان بنزبان می‌خواهد بی‌فهمانندگی بخشی از بورژوازی ایران بصورت غیر مستقیم وابسته می‌باشد، و مستقیماً در رابطه با سرمایه‌های امپریالیستی قرار ندارد! اما نه! کسی در این صورت نیویورک یا پاریس روشن می‌کند که رزمندگان در کجا تمام بورژوازی ایران را "در ارتباطی مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌دالی امپریالیستی" تلقی کرده است، و در کجا عبارت اخراجی "تا مغز استخوان وابسته" را بکار بسته است؟ بعلاوه،

این تازه، حد نهایت خوش بینی ماست، زیرا که پیکار در هیچ نوشته‌ای توبه خود را در برابر "بورژوازی ملی" یا بصارت جدیدتر "بورژوازی متوسط غیروا بسته" شکسته است، و با به نهایت رساندن نوعی از وابستگی بورژوازی یعنی وابستگی "مستقیم و ارگانیک با سرمایه‌مالی امپریالیستی" و ابداع مفهوم "تا مغز استخوان وابسته" زمینه را برای قالب زدن بخش دیگری از بورژوازی وابسته ایران بصورت "بورژوازی متوسط غیروا بسته" یا "بورژوازی لیبرال بخشا مرتجع" شده فراهم می‌کند. بورژوازی ایران چه بصورت مستقیم در رابطه با سرمایه‌مالی امپریالیستی باشد، چه در رابطه با سرمایه‌مالی امپریالیستی باشد و چه در رابطه با سرمایه‌های وابسته داخلی - در هر حال بورژوازی وابسته می‌باشد، و در زمره "طبقه بورژوازی وابسته" که بیان خاص شده طبقه بورژوازی ایران است، محسوب می‌شود.

سرمایه در هر شکل و در هر مقیاس و در هر گوشه جهان، بطریق مختلف در تورشیک سرمایه‌دانی و عملکرد بازاری‌هایش گرفتار است، و تابع عملکرد قانون ارزش در مقیاس جهانی است. آنچنانکه هر گز نمیتواند محیطی مستقل از تاثیر این بازار جهانی سرمایه‌دانی برای خود فراهم نماید. و بخصوص که در کشوری مانند ایران، سیکل گردش سرمایه در ایران، هرگز بدون ارتباط با سرمایه‌دانی نمیتواند بسته شود، و با قطع ارتباط گردش سرمایه در ایران با سرمایه‌دانی، همانا آغاز مرگ سرمایه در ایران فرا می‌رسد. بنا بر این هیچ سخنی از سرمایه مستقل و ملی و "بورژوازی غیر وابسته" در ایران نمیتواند مطرح باشد، و تکرار می‌کنیم: بورژوازی ایران بهر حال وابسته است. ما گردش سرمایه ملی، و بطریق اولی بورژوازی ملی نداریم.

جالب اینجاست که پیکار معتقد به وجود "بورژوازی غیروا بسته" رزمندگان را با وجود مخالفت قاطع اش در مورد موجودیت بورژوازی

و سرمایه مستقل و ملی، چشم به آن می‌کند، که به بورژوازی ملی باور دارد، و چنین اعتقادی را راست و راه‌تلقی می‌کند. رزمندگان بکار در جزوه بررسی وضعیت سیاسی آینده از "بورژوازی ملی" صحبت نمودن هم بدینصورت:

"... بورژوازی ملی خود نیز بطور غیر مستقیم وابسته است و بقای آن در ارتباط نزدیک با سرمایه‌داری جهانی است. از این جهت سرمایه‌داری در عرصه‌های قطب‌های جهانی سرمایه‌داری وابسته است. از اینرو، مبارزه آن با بورژوازی وابسته امپریالیسم هیچگاه همه‌جانبه و بی‌گنجه نخواهد بود، و گاردسته خود را نمی‌برد." (بررسی وضعیت سیاسی آینده ص ۸)

پیدا است که رزمندگان در بهمن ماه ۵۷ در همان

نروژ تسکین‌ها هم صرفاً و خالص و جنبه یگانگی سرمایه‌داری کشورهای تحت سلطه با سیستم جهانی سرمایه‌داری را مورد توجه قرار می‌دهند.

جزوه مزبور، بورژوازی ملی را غیر مستقیم و وابسته حساب می‌آورد، نه اینکه آنرا غیروا بسته بداند، و آنرا به قطب‌های جهانی سرمایه، وابسته تلقی می‌کند، و بقای آنرا در ارتباط نزدیک با سرمایه‌داری جهانی می‌داند. یعنی آنکه رزمندگان با بورژوازی ملی نه‌بمقای بورژوازی غیروا بسته و مستقل بلکه به‌بمقای نوعی از وابستگی بورژوازی به سرمایه‌های جهانی برخورد می‌نماید. و با این وجود رزمندگان از اینکه، بخشی از بورژوازی وابسته ایران را در گذشته بطور مجازی و از روی ماسه‌کاری "بورژوازی ملی" می‌نامید، و نیز از این مواضع "اتحرافی" خود در گذشته انتقاد کرده است، رجوع شونده تا ریخته سیاسی - تشکیلاتی سازمان ما

اما موضوع تمام شده است. اگر پیکار، اعتقاد به بورژوازی ملی را که به رزمندگان در گذشته نسبت می‌دهد، گرایش و موضعی را نسبت از نیایی می‌کند، باید بصراحت اعلام نماید که در برابر اعتقاد به "بورژوازی متوسط غیروا بسته" - توجه‌کننده پیکار "بورژوازی غیروا بسته" می‌گوید "بورژوازی غیر مستقیم وابسته" چه می‌گوید؟! یا همه جوش و خروش پیکار بر علیه رزمندگان در مورد "طبقه بورژوازی وابسته" و ایراد اتهام موضع‌گیری چپ‌روانه و شبه تروتسکیستی به رزمندگان ناشی از همین بی‌تفاوتی است "پیکار مبتنی بر اعتقاد به وجود بورژوازی غیروا بسته نمی‌باشد؟" فعلاً قضاوت و ارزیابی در این مورد را نیز به بعد موکول می‌نمائیم.

از این گذشته، نتیجه‌گیری مهم دیگری که پیکار می‌کند و آن نیز از همین نوع است که بازگو کردیم، اینست که پیکار از تصور نقل شده از رزمندگان شماره ۱۲ ص ۸ چنین استنباط می‌کند: "بر اساس نقل قول فوق و دید رزمندگان گویا ابتدا سرمایه‌داری از ایران بطور خود پرتکا میل یافته و مستقلاً استقرار می‌یابد و سپس طی روندی وابسته می‌شود، یا در حقیقت وابستگی بر آن سوار می‌شود."

نگاهی به ...

راستش را نخواهید ما هرچه تقلا کردیم که در پس نقل قول پیکار از "رزمندگان" شماره ۱۴ نبرد است و نتیجه گیری پیکار را باک و بیم، چیزی دست گیرمان نهد، و در پس آینه چیزی نصیب نگشت! رزمندگان در آنجا بر ضرورت وجود پیکار مناسب برای سلطه و بهره کشی امپریالیسم تکیه میکنند... اما پیکار چنین نتیجه میگرد که منظور رزمندگان آنست که ابتدا سرمایه بطور خودپنو تکامل یافته و مستقلا استقرار می یابد، و سپس در طی روندی وابسته میشود، واقعا که با بدبر پیکار دست مریزاد گفت. و از هنرش درس گرفت

چشم نیمه فشو دال و نیمه بر سر بودن ایستاد
آبروست، تا خروارها ترو تکیسم و شبه ترو تکیسم
و غیره بر تو بار کنند.

اما این مسئله فقط به محافل م. ل. مقیم خارج اختصاص نداشت، و در بین محافل و گروه های داخلی معروف به خط ۲ نیز تا چند سال پیش هرگاه سخن از سرمایه داری وابسته بودن ایران و وابسته بودن کل بورژوازی ایران به میان میآوردی همین جریانهای داخلی نزدیک به سال زمان انقلابی و اتحادیه کمونیستها و توفان... و چوب ترو تکیسم را بر میداشتند، و از جمله ما که در چند سال پیش به "رزمندگان" اشتها را نداشتیم، سخت مورد لعن و دشنام این جریانها بودیم و بخاطر آنکه ایران را کشوری سرمایه داری

ترو تکیستها صرفا به جنبه "ما هوی وملت" اساسی جا مع سرمایه داری وابسته توجه میکنند، و به آثار و عواقب خاصی از وابستگی بی توجه یا کم توجه اند، بر عکس، پوپولیستها به این رابطه پراهمیت داده، و جنبه "ما هوی وملت" اساسی جا مع سرمایه داری وابسته را از نظر دوزمی اندازند، در هر حال هر دو در این امر مشترک اند که سرمایه ای اوضاع اقتصادی حرکت کرده، و اکنون محور بررسی و در نتیجه تاکتیک خود را نه مبارزه طبقاتی که اوضاع و احوال اقتصادی قرار دهند.

است که وفاداری به این امکان است که در ترو تکیسم را دارند. ترو تکیسم را تا کنون به پوپولیسم هم گاه بود، زمانی که انقلاب طلبی در حزب و کم توجهی به نقش سازمان انقلابیون هم طری از بود، زمانی با انقلاب سوسیالیستی در یک کشور مخالفت میکرد، و زمانی که انقلاب دمکراتیک در دستور بود، بدشمال انقلاب سوسیالیستی میگشت، زمانی به اقتصادیات پریها میداد، و زمانی به سیاست اهمیت زیاد از حد میداد، اینها و بسیاری دیگر عوارض ترو تکیسم است، و اگر کسی یا جریانی م. ل. ترو تکیسم را فقط در قالب این عوارض بشناسد، سخت در برابر آن آسیب پذیر بوده، و برای حتی ترو تکیسم از مجرای دیگر بردون آن خواهد خزید. بگمان ما، امروزه پوپولیسم بخاطر جوهر نگرشی واحد و همسوس با ترو تکیسم علیرغم مرز بندی بظا هر غلاظ و شادابان، سخت در معرض رسوخ و تبدیل شدن به ترو تکیسم است. در اینجا نیز همچون مورد رویزیونیسم - مثالی که نقل کردیم، ترو تکیسم را صرفا در شکل اعتقاد به سوسیالیستی بودن انق می شناسند، غافل از آنکه ترو تکیسم در اساس چیز دیگریست و موضع گیری چپ و از جمله اعتقاد به سوسیالیستی بودن انقلاب در مرحله انقلاب دموکراتیک یکی از جلوه های آنست.

اتفاقا ترو تکیستها هم همانگونه به جا مع ایران مینگرند که پوپولیستهای پیرو تذا دعه ده خلق و امپریالیسم، اگر برای این پوپولیستهای میهنی "ما نندرقای سازمان پیکار" تما یسیر سرمایه داری و وابستگی حتی به پوپولیسم و انتزاعی قابل تصور نیست و هر دو به وجود سرمایه داری وابسته را یکی میدانند، و بیک آن هر دو را اساسی و اصلی تلقی میکنند و در ادامه بنا چاره "نظام وابسته" میسند، در مقابل ترو تکیستها هم صرفا وجه کلی و جنبه دیگه نگی سرمایه داری کشورهای تحت سلطه یا سیستم جهانی سرمایه داری را مورد توجه قرار میدهند، و تنها به تضاد اساسی کار و سرمایه می اندیشند.

تنها تفاوت این دو جریان آنست که ترو تکیستها در کشورهای تحت سلطه، وجه سرمایه داری سیستم جهانی سرمایه داری را و صرفا تضاد کلی سرمایه داری می بینند، و پوپولیستها وجه وابستگی آن کشورها به امپریالیسم و حاکمیت امپریالیسم را برای این کشورها اکنون توجه قرار میدهند. این دو گرایش اگرچه نتایج متفاوتی از خود بروز دهند، اما در اصل وحدت دارند و آن اینکه هر دو یک جانب موضوع را توجه دارند، و به جنبه دیگری توجه یا کم توجه اند، یکی سرمایه داری بدون کشورهای تحت سلطه ما نند ایران را محور قرار میدهند و دیگری وابسته بودن آنرا.

ترو تکیستها از توجه و آفریه وحدت، یکپارچگی و پیوستگی مثلا ایران با سیستم جهانی سرمایه داری صرفا سرمایه داری بودن را مبنای کار قرار میدهند و پوپولیستها از توجه و آفریه تحت سلطه بودن مثلا ایران در قبال امپریالیسم صرفا وابسته بودن را اساسی کار می نهند. ترو تکیستها صرفا به جنبه "ما هوی وملت" اساسی جا مع سرمایه داری و وابسته توجه میکنند،

وابسته بحساب میآوریم و به اساسی بودن تضاد کار و سرمایه اعتقاد داشتیم، چوب ترو تکیسم رفاقا بر سرمان میشکست.

بهر حال، شکی نیست که ترو تکیسم گرایشی خطرناک برای جنبش کمونیستی بشمار میرود، و به خصوص از نظر ما هم اکنون بسی خطرناک تر شده است، و باید که در برابر آن هشیار بود. اما موضوع مهم در این میان آنست که بعضی از م. ل. های "ما ترو - تکیسم" را انسان استعمال میکنند که در چند سال پیش "رویزیونیسم" را بکار میبردند. جریانات چریکی، رویزیونیسم خروشقی را عمدتاً در معنای اعتقاد به گذار ما لمت آمیز و مخالفت با مبارزه مسلحانه بکار میبردند، و بر اساس چنین درک ناقصی بود که بعد از - میگوئیم بعد از - نشه بعثت - حمایت نسبی - سی - شوری از جنبش های آزادی بخش آفریقا و فلانو و... و عبارت دیگر بعد از کمکهای شوری به مبارزه مسلحانه خلقهای برخی از کشورهای جریانی ما نندند سازمان چریکهای فدایی خلق اعتقادشان نسبت به رویزیونیست بودن "حزب کمونیست شوروی" مستقیم گردید.

و بدنبال آن - البته نه فقط بدین دلیل - دیدیم که چه مواضعی اتخاذ گردید. اکنون نیز بییم آمیز بود که درک محدود و سطحی نسبت به ترو تکیسم حکم بدی ست را در برابر ما ج آن داشته باشد. برخی از م. ل. های ما بخاطر عدم مطالعه آثار تروتسکی و ترو تکیستها و موضع گیری با ترو تکیسم نه از روی معرفت، بلکه از سر آنکه ترو تکیسم به گرایشی انحرافی معروف است، موضعی سخت شکننده و آسیب پذیر در برابر این گرایش انحرافی و خطرناک دارند، آنها با اعتبار یکی دو وجه از عوارض ترو تکیسم و بدون توجه به جوهر اساسی ترو تکیسم، که همان دید کل گرایانه، هگلی و اقتصاد گرایانه است با آن مرز بندی

نتیجه گیری باز هم جالب تر از جانب پیکار اینست که مینویسد: "در عین حال رزمندگان وقتی از "طبقه بورژوازی وابسته" صحبت میکنند، باز هم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضا میکنند... خلاصه "میتوان نتیجه گرفت که رزمندگان به تکامل خود پیوسته سرمایه داری در ایران و سرمایه داری مستقل ایران معتقد است" خلاصه باید نتیجه گرفت، مهم نیست که طرف مقابل چه میگوید، مهم اینست که باید نتیجه گرفت که رزمندگان به سرمایه داری مستقل ایران معتقد است "رزمندگان میگوید "طبقه بورژوازی وابسته" پیکار نتیجه میگیرد که "رزمندگان به تکامل خود پیوسته سرمایه داری در ایران و سرمایه داری مستقل ایران معتقد است" - پس معلوم میشود اگر کسی بگوید "طبقه بورژوازی وابسته" ایران، آنکس به سرمایه داری مستقل ایران معتقد است. و شاید هم هرکس نه، و بلکه فقط رزمندگان! چرا؟ گویا برای اینکه باید به جویندگان و اصرار کنندگان بروحت پیکار رور زمندگان گفت و بهیر قیمت شده، ثابت نمود که نظرات "پیکار" و رزمندگان "زمین تا آسمان با هم فرق دارد، و نشانداده که بین آنها اختلاف عمیق وجود دارد، بخصوص که رزمندگان دارای "انحرافات عمیق" میباشد و از آن جمله ترو تکیسم!

پیکار مینویسد که تحلیلهای رزمندگان در مورد ساخت و اعتقادش به اینکه سرمایه داری ایران مستقل و خود پیوست ملهم از گرایش ترو تکیستی میباشد.

گرایش ترو تکیستی! شنیده ایم که استفاده از این انتساب در محافل م. ل. مقیم خارج وسیعا مثل نقل و نبات رایج بود. و هر کس از خط الگوی معروف پوپولیستهای طواف گریه چین منحرف میشد، و اراستخه چوب تکفیر ترو تکیسم می بستند، کافی بود بگوی که بالائی

سرمقاله

در دینیت با اعمال نفوذهای مستقیم امپریالیسم تاقط رابطه دیپلماتیک و تأیید اشغال سفارت آنها تن در میدهد و در این راه به افشاگری وضدیت نسبت به بورژوازی لیبرال میپردازد. این خود به منافعی موجود امپریالیسم و بورژوازی ضربه وارد میکند. اما از سوی دیگر این حرکت با تبلیغ و تحریک بر علیه انقلابیون، سرکوب جنبش انقلابی خلق گردد، ضرب و جرح و دستگیری و اعدام کمونیستها همراه است. همین عملکرد در صحنه بین المللی از یک سو به مبارزه با

شان به امپریالیسم آمریکا است. این چنین است که شوونیسم مذهبی خرد بورژوازی مرتجع در نهایت به خدمت منافع در امدت امپریالیسم درمی آید. آنچه با این وحدت عینی را تشکیل میدهد حمایت مشترک از جریان ارتجاعی است که شوونیسم مذهبی خرد بورژوازی مرفه سستی بر آن گسردن مینهد.

حمایت هیات حاکمه از سازمان "امیل" که یک سازمان شوونیستی و ضد کمونیستی و وابسته به سوریه و منبیا شد نمونه دیگری از عملکردهای

را در پرتو مبارزه با مظاهر افسلطمه امپریالیسم دنبال میکنند سیاست خارجی آن نیز پیگیری همیشگی مشی در پرتو مبارزه با بین المللی با مظاهر از سیاستهای جهان نیستی امپریالیسم است. میگوئیم مظاهر افسلطمه و سیاست امپریالیسم زیر آکسی که در اتحاد با بورژوازی در حکومت قرار گرفته، ارکان ارتش را از زیر حملات توده ها و انقلابیون خارج میکنند و دستگاه اداری و نظامی ارتجاعی را بنام انقلاب فرهنگی و اداری تقدیس می نماید و قوا نین ارتجاعی را یکی پس از دیگری بتمویب و اجراء درمی آورد و بر سیاست سرکوب جنبشهای انقلابی و اعدام کمونیستها تکیه میکنند و گساری بیش از این نمیتواند انجام دهد. سیاست بین المللی خرد بورژوازی

کمونیستهای ایران میبایست ماهیت واقعی سیاست خارجی هیات حاکمه را که در پوشش فریبنده ضدیت با ناسیونالیسم بورژوازی به اجرا درمی آید برای توده های زحمتکش و بخصوص کارگران افشا نمایند. انقلاب بیون کمونیست و دمکرات میبایست توده ها را بر این حقیقت واقف سازد که حکومتی که سرکوبگر جنبش انقلابی در کشور خویش است و انقلابیون و بویژه کمونیستها را در مقابل جوخه های اعدام قرار میدهد نمیتواند حامی خلقهای "مستضعف" جهان باشد.

ژوازی حاکم در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم درست بخاطر خصوصیت ضد کمونیستی و خصوصیت پان اسلامیتی که میل به اتحاد با نیروهای ضد کمونیست در کشورهای مختلف میکند، خصلتی ارتجاعی دارد. اجزاء چنین سیاستی بعنوان

سیاست خارجی حکومت است. جالب اینجاست که این سازمان از آنجا که محور تشکیل خود را شوونیسم مذهبی شیعه و ضدیت با کمونیسم گذاشته است لانه طبقات مختلف ضد پرولتری گردیده و جناحهای مختلف بورژوازی و خرد بورژوازی حاکم از آن دفاع میکنند. اگرچه ابتکار عمل این حمایت درست بورژوازی حاکم و مهره های آن نظیر چمران و طباطبایی است، اما گسیل میلیونها دلار پول و اجازه فعالیتها و نظای این سازمان در ایران توسط خرد بورژوازی حاکم صورت گرفته است و این نیز جلوه دیگری از خصلت ارتجاعی خرد بورژوازی حاکم است که از فرصت ضدیت با کمونیسم و رهبری کمونیستها در اتحاد با بورژوازی قرار میگیرد و در پوشش شوونیسم اسلامی و دفاع از شیعیان لبنان در صفوف خلق فلسطین تفرقه می افکند.

گفته ای معروف است که سیاست خارجی ادامه و بازتاب سیاست داخلی است. هم چنانکه سیاست خرد بورژوازی حاکم پیگیری یک مشی ضد انقلابی - ضد کمونیستی در عرصه های مختلف است و این مشی

امپریالیسم مشغول است اما درست بخاطر اینکه این مبارزه به نفع علیه موجودیت واقعی و همه جانبه امپریالیسم بلکه بر علیه مظاهر افسلطمه آنست و تمام با مبارزه ضد کمونیستی است. در نهایت بسود بورژوازی و امپریالیسم تمام میشود. شرکت هیات نمایندگان جمهوری اسلامی در کنفرانس اخیر "مالک اسلامی" که با تأییدات خرد بورژوازی حاکم صورت گرفت بسیار نگر خصلت ارتجاعی سیاست بین المللی هیات حاکمه است. در این کنفرانس مرتجع ترین جناحهایی که با نگیزه باز یافتن موقعیت از دست رفته با حکومت افغانستان مبارزه میکنند و خود را در موضع حمایت از خلق افغانستان میزنند تحت حمایت مستقیم هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس شرکت کردند. و البته حمایتهای سیاسی و مالی و حتی نظامی جمهوری اسلامی که ظاهراً نسبت به خلق افغانستان صورت گرفته است، در واقع به سازمانهای مرتجعی نظیر "حرکت اسلامی" و "امثالهم تعلق گرفته است. سازمانهای اسلامی که در عین حال اتکای عمده و اصلی

حرکات معین اگرچه قابل استفاده جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری و نهضت های رهایی بخش بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم میباشد اما هیچ وجه بعنوان یک سیاست قابل حمایت نیست.

رویزیونیستهای مختلف (خرد شجفی و سه جهانی) که هر کدام بفرایز حال خود میکوشند تا در سیاست خارجی خرد بورژوازی حاکم و کلاه های حاکمه بپوشانند و برای خریدن بزرپرچم آن بپای بند خطرناک ترین برگ ساطعیت ارتجاعی این سیاست و در واقع ماهیت هیات حاکمه هستند بسیار خطرناک اند چون با استفاده از واژه های مارکسیستی برای افسلطمه های ضد کمونیستی پی برده میافکنند و با خطرناک اند زیرا از مزه های شوم خود را بنام کمونیسم زیر گوش پرولتاریا و توده های زحمتکش سرمیدهند. کمونیستهای ایران میبایست ماهیت واقعی سیاست خارجی هیات حاکمه را که در پوشش فریبنده ضدیت با ناسیونالیسم بورژوازی و مبارزه با امپریالیسم به اجرا درمی آید بر این توده های زحمتکش و بخصوص کارگران افشا نمایند. انقلابیون کمونیست و دمکرات میبایست توده ها را بر این حقیقت واقف سازد که سرکوبگر جنبش انقلابی در کشور خویش است و انقلابیون و بویژه کمونیستها را در مقابل جوخه های اعدام قرار میدهد. نمیتواند حامی خلقهای "مستضعف" جهان باشد.



نگاهی به...

اوبه آثار و عواقب خاص ناشی از وابستگی بی توجه یا کم توجه اند، برعکس، بپولیتیکای این رابطه پراهمیت داده، و جنبه، ماهوی و خصلت اساسی جامعه سرمایه داری وابسته را از نظر دور می اندازند، در هر حال هر دو در این امر مشترک اند که بر مبنای اوضاع اقتصادی حرکت کرده، و کانون و محور بررسی و در نتیجه تا کنیک خود را به مبارزه طبقاتی که اوضاع و احوال اقتصادی قرار دهند.

"ادامه دارد"

بورژوازی

نشان داد که چنین تفسیری تنها میتواند عمیق دور بودن خود را واقعیت را نشان دهد. بهاره ای گروهها نیز آزارامینوب به "جامعه روحانیت" و "پسا کاست حکومتی" و یا غیره مینمودند. در این حالت نیز خود ویژگی روحانیت بر تبیین طبقاتی پرده ساز میافکند و خود را از شریک تحلیل واقعی نجات میدهد.

بهر ترتیب کاملاً واضح بود که جناحی از حکومت (خرده بورژوازی مرفه سنتی) در این جریان منافع را دنبال میکند. و خواهان حل مسأله گروگانها بصورتی است که بعضی منافع آنها تا مین گردد. از همین زمان است که جناح خرده بورژوازی حاکم به "خطا امپریالیسم" بعنوان دشمن اصلی میپردازد: "آمریکا دشمن اصلی ما است. تمام مبدیهای ما از آمریکا است" (آیت الله خمینی)

حکومت آیت الله خمینی اصولاً از این زمان به آمریکا آغاز میگردد. شورای انقلاب که مجمع عمومی هیأت حاکمه باشد، جای دولت بورژوا لیبرالها را میگیرد، و مستقیماً در عرصه ظاهر می شود. شورای انقلاب با ترکیب بورژوا - خرده بورژوازی خود به مثابه دولت متجلی میگردد. و اداره امور را بطور مستقیم بدست میگیرد. این در شرایطی است که توده ها وسیعاً به مبارزه بر علیه امپریالیسم کشیده میشوند. میلیون ها مردم آمادگی خود را برای هرگونه مبارزه اعلام میکنند. لیکن مبارزه توده ها علیه امپریالیسم کجا و شورای انقلاب کجا؟! در ابتدا، شورای انقلاب بطور کلی مسئله گروگانها را امریکایی را مسکوت میگذارد و به کوششهایی به خرج میدهد تا آنها را با شاه معاوضه کنند. اما این کوششها که در مجموع در جهت حل آرام و بی دردسر مسئله گروگانهاست بلافاصله با بلوکه کردن اموال ایران در آمریکا، قطع وارد کردن نفت از طرف آمریکا و پیشنه دماحاره اقتصادی

توده ها بر علیه مظاهر ظالمانه حضور امپریالیسم و متحدین داخلی آن میگردد. امری که تنها به طبیعت تاریخی حرکت توده ها در سیر خویش جنبه طبقاتی خود را به خوبی نشان داد و نشان داد که چگونه مبارزه با امپریالیسم، خود جنبه طبقاتی دارد و تابع منافع و خواسته های تاریخی طبقات حاضر در این مبارزه است. توده ها برای مبارزه با امپریالیسم مظاهر عینی آن را اعم از سرمایه های وابسته، سرمایه داران و... به باد حملات خویش گرفتند. و مرزهای محدودی را که جناحی از هیأت حاکمه در دل سیستم موجود بواسطه تضادهای نسبی با سرمایه انحصاری برای درگیری خود با امپریالیسم ترسیم کرده بود، شکستند و مظاهر را سی این سیستم را نیز به مبارزه خواندند.

در این حال منازعه میان بورژوا لیبرالها و خرده بورژوازی حاکم حول مسئله گروگانها و سایر مسائل روبه وسعت میگذارد. بورژوا لیبرالها بتفجیح گروگانگیری میپردازند و دانشجویان را مجبوراً جویان خطاب میکنند. در حالیکه خرده بورژوازی حاکم میگوید: تنها درازای بازپس دادن شاه و اموالش ما میتوانیم گروگانها را به آمریکا پس بدهیم. بورژوا لیبرالها برای اینکار حتی اعلام آمریکا مبنی بر اینکه در ایران اشتباه کرده است را کافی میدانند.

افشای بورژوا لیبرالها آغاز میشود. ارتباط دولت موقت (بازرگان و دیگران) با آمریکا، رابطه امپراتور نظام، مقدمه مراغه ای دیگران با آمریکا، تغییر بعضی وزرا و سپردن رادیو و تلویزیون بدست خودکشی ها و اینک نهضت آزادی مورد توجه امپریالیسم آمریکا است و... اوضاع را بشدت بر زبان بورژوازی حاکم تغییر میدهد. اگرچه شورای انقلاب با این افشاگریه

در پی اشغال سفارت آمریکا افشای بورژوا لیبرالها آغاز میشود. ارتباط دولت موقت (بازرگان و دیگران) با آمریکا، رابطه امپراتور نظام، مقدمه مراغه ای نرینه دیگران با آمریکا، تغییر بعضی وزرا و سپردن رادیو و تلویزیون بدست خودکشی ها و اینک نهضت آزادی مورد توجه امپریالیسم آمریکا است و... اوضاع را بشدت بر زبان بورژوازی حاکم تغییر میدهد.

اظهارات راضیاتی میکند و توقف آنها را خواستار میگردد ولی لا اقل پس از آنکه دانشجویان از قول مذاکره آمریکا با حزب جمهوری اسلامی راضی امپریالیست ترین حزب ایران (ا) مینامند، جناح خرده بورژوازی حاکم از مسئله گروگانها برای تحکیم موقعیت خود بهره برداری کاملاً میکند. گروگانها به حیثیت جمهوری تبدیل میشوند. حفظ آنها در دستور قرار میگیرد. درگیری با آمریکا وارد مرحله جدیدی میگردد و طرح سیج

به سازمان ملل و کشورهای امپریالیست اروپایی و سرانجام قطع رابطه سیاسی از طرف آمریکا همراه میگردد. شورای انقلاب در عمل پیوسته یک قدم از آمریکا عقب تر میماند. تعرض ارجان شب آمریکا است. و شورای انقلاب تنها پس از قطع خرید نفت است که اعلام میکند دیگر به شرکت های آمریکایی نفت نخواهد فروخت و...

مسئله سفارت آمریکا، روحیه ضد امپریالیستی مردم را بشدت بالا میبرد و موجب گسترش مبارزات

توده ای یا بسیج ارتش ۲۰ میلیونی از طریق آموزش نظامی و ایجاد هسته های نظامی با فرماندهی جداگانه از ارتش بحرله عمل در میآید. جهاد سازندگی و پاسداران بطور جدی نیرو میگیرند و ابتکار بسیاری کارها و اعمال را بدست میآورند.

نباید حکومت مستقیم شورای انقلاب را حکومت خرده بورژوازی تلقی کرد. ترکیب طبقاتی شورای انقلاب ترکیبی خرده بورژوا - بورژوازی است. این ترکیب خود منشأ بسیاری اختلافات درون شورای انقلاب میگردد و انعکاس آن در سیاست روزمره هیأت حاکمه بخوبی مشهود بود. هنوز ارتش و بوروکراسی در نفوذ بورژوازی حاکم میباشد. و بطور کلی

نباید حکومت مستقیم شورای انقلاب را حکومت خرده بورژوازی تلقی کرد. ترکیب طبقاتی شورای انقلاب ترکیبی خرده بورژوا - بورژوازی است. این ترکیب خود منشأ بسیاری اختلافات درون شورای انقلاب میگردد و انعکاس آن در سیاست روزمره هیأت حاکمه بخوبی مشهود بود.

هر دو در حاکمیت قدرتمند هستند. لیکن همانطور که قبلاً دیدیم در این قدرت حاکم خرده بورژوازی مرفه سنتی است که غلبه دارد و هر از چند گاهی غلبه خود را نیرومندتر میکند. میگویند: آنچه در دست خرده بورژوازی حاکم است قدرت موری است نه واقعی! آنها بسیاری از ارگانهای نوظهور را از یکطرف و موقعیت انجمن های اسلامی ارتش و بوروکراسی و نفوذ معنوی خرده بورژوازی حاکم را که هم اکنون اهمیت آن معلوم شده مورد توجه قرار میدهند. قدرت موری قدرتی است که در واقع هر عملش منافع بورژوازی را در بر دارد و تابع و تحت سیطره قدرت واقعی "بورژوازی است. ولی آیا این وضعیت خمینی چنین است؟ آیا او تابع بازرگان بود؟ آیا میتوان گفت اقدامات بسیج، جهاد سازندگی، پاسداران، بورژوازی حاکم را تقویت کرده است در حالیکه بازرگان هنگام برکناری خود از نخست وزیری با اشاره به همین قدرت هایی که خارج از اراده بورژوازی حاکم بود میگوید:

"نجات مملکت و به شمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی باشد."

و اینکه او و وزیرانش با رها خود را دسته چاقویی مینا منده تیغه اش (یعنی بخش اصلی اش) در دست دیگری است. بهشتی در توضیح همین مسئله میگوید:

"خط فکریشان (بازرگان و بیزدی را میگوید) در مورد سیاست انقلابی ایران از اول هم خطی که با ما بخوانند نمی یافتیم و ما از همان اول حس میکردیم نقطه نظرها یمان متفاوت است..... تا وقتی که این آقایان به این نتیجه رسیدند که نمیتوانند با پای این نقطه نظرها بیایند و

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

روزوازی

کوچک و بزرگ و ... و ... با خواست های متفاوت ... و ...
سفارت آمریکا باعث ... و ...
مذبحخانه و ... (همه به نام) ...
طبقا ... کند. و این مبارزه که با ...
زمینداران و سرمایه داران و به ابتکار توده ها
انجام میگردد، عموماً با کشتار و قهر و غلبه
پاسداران رژیم مواجه میگردد: هیات حاکمه بر سر
سرکوب توده ها و بطور کلی حفظ سیستم موجود
اتفاق نظر دارد.

در کارخانه ها بویژه برخورد بر سر مزد، نیازمند
بهای زندگی، گریه خانه و غیره، امکان راه افتادن
سرمایه براحتی را از آن سلب میکند. بحران
سیاسی، بحران اقتصادی را دامن میزند و محاصره
اقتصادی امپریالیست ها به آن اضافه میگردد
(هرچند محدود). روز بروز جمعیت بیشتری از کارکنان
گران (علیرغم ادعاهای حکومت در حل مسئله
بیکاری) به صف بیکاران می پیوندند.
سرمایه داران کسسه وضع بورس و سرمایه
گذاخت نا مسا عدل می یابند، حاضر نیستند
سرمایه گذاری کنند؛ این روند همچنان ادامه دارد.
پس از این اوضاع بورژوازی مغلوب و غالب
هر دو تلاش میکنند بهره ببرند. حزب رسمی جمهوری
خلق مسلمان که ترکیبی از بورژوازی لیبرالها و
بورژوازی انحصاری سابق باشند، در آذربایجان
دست به تعرض میزند و این
تعرض با شکست روبرو میگردد: یکبار دیگر لیبرال
لها مورد حمله واقع شده و مورد افشاکاری واقع
میشوند.

در چنین اوضاع و احوالی است که انتخاب
ریاست جمهوری آغاز میشود.
کشاکش درون حکومت تا این زمان چند نکته
اصلی را به ما نشان میدهد. درگیریهای درون حاکمیت
ریشه بورژوازی - خرده بورژوازی دارند.
و در طی این مدت بورژوازی لیبرال صدمات
قابل توجهی از لحاظ افتاء آنها در برابر توده
و نتوانی در سازماندهی مناسب متحمل میگردد.
امپریالیسم که در دوره اول متوجه موقعیت بورژوازی
وازی لیبرال و تا مین منافع خود از طریق
آنهاست و امیدوار است در طی پروژه حاکمیت بورژوازی
ژوازی غالب گردد و اوضاع کاملاً مساعدی برای
آن فراهم گردد، در دوردوم با واقعیتی مواجه

و ... آنها نمیتوانند در برابر
که صدمت سرمایه انحصاری انسان را در موضع
انقلابی قرار نمیدهد. بلکه ضدیت از موضع انقلاب
بی، یعنی از موضع مصالح و منافع آتی خرده
بورژوازی میتواند چنین ضدیتی را مایه
انقلابی بدهد و بس. خرده بورژوازی مرفه سنتی،
با سرمایه انحصاری و امپریالیسم تضادهایی
دارد که از موضع خرده بورژوازی فقیر و متوسط
یعنی از موضع انقلابی و دمکراتیک نیست. آنها
در عین نزدیکی به بورژوازی و تحکیم منافع آتی
خویش، تضادهایی با سرمایه انحصاری دارند که
ابداً به آنها ماهیت انقلابی نمی بخشد. بعکس
همانطور که می بینیم آنها دقیقاً نه تنها بر ضد
حرکت انقلابی پرولتاریا که بر ضد حرکت جناحهای
دیگر خرده بورژوازی مثل مجاهدین خلق که از مواضعی
دیگر با همین سرمایه در ضدیت بر می خیزند،
عمل می نمایند.

از زمان اشغال سفارت بدین سویش عظیمی
از سهام خارجی بانکهای ایران و همچنین

قدرت صوری، قدرتی است که در واقع هر عملش منافع بورژوازی را در بر دارد.
رد و تابع و تحت سیطره قدرت واقعی "بورژوازی است ولی آتیا وضعیت خمینی
چنین است؟

سهام امپریالیستی در صنایع به حالت بلوکه
در می آید. اگر چه سرمایه بست تجارت خارجی
سوق داده میشود، اما این امر بورژوازی لیبرالها را
به موقعی شدد بر علیه خرده بورژوازی حاکم
میکشاند. آنها فریاد بر می آورند که این کار نظم
جامعه و حتی نظم جهانی را بهم میزند. و خرده
بورژوازی نیز به توبه خود بر سر کارگران فریاد
میزند: "برای شرایط بهتر، برای آزادی واقعی،
برای یکسره کردن کار سرمایه داری وابسته فریاد
زنند!"

امپریالیسم که چشم خود را به بورژوازی لیبرال
ل و خیل جاسوسان و فرماندهان مزدور ارتش
دوخته بود و امیدوار به حرکت ضد کمونیستی و ضد
انقلابی خرده بورژوازی حاکم بود، تدریجاً باروی
دیگر که یعنی در عین حال تضعیف بورژوازی حاکم
کم و ضدیت خرده بورژوازی با سرمایه انحصاری
هر چند محدود و وضعی روبرو میگردد.

بورژوازی حاکم از لحاظ اقتصادی نمیتواند
است سیاسی جز نزدیکی با انحصارات بین
المللی و برانداختن "اقتصاد سابق" مرحله
عمل در آورد. لغو بسیاری از قراردادها و تقسیم
بخشی از درآمد های دولتی برای جهاد سازندگی
، مصدوره بسیاری از کارخانه ها و اموال سرمایه
داران سابق در بنیاد دستفغین، تغییر طرح
اصلاحات ارضی و قبول بعضی رفرمها تحت فشار
جنبش دهقانی، همگی برنامه های بورژوازی لیبرال
ال نیستند. وضعیت آنرا از لحاظ اقتصادی
لا قابل بلافاصله و بطور کوتاه مدت مورد مد
قرار میدهند. نمونه آن ملی شدن تجارت خارجی
است که با عکس العمل وسیع بورژوازی مواجه
گردید و غیر قابل اجراء شد.

مسئله ای که باید به آن توجه کرد جنبش
توده ای وسیع در این دوران است که به علت ضعف
کمونیستها و نیروهای انقلابی بدست خرده بورژوازی
ازی حاکم کنترل میشود. و بر امواج آن سوار
شکست و نتایج آنجا که نمیتواند در برابر بورژوازی به
تقویت وی ببیند و از آن سود میجوید. منشاء
این بهره برداری و اصولاً آنچه که گفتیم چیزی
نیست مگر تضاد نسبی خرده بورژوازی حاکم با
امپریالیسم و سرمایه انحصاری. بعضی جریانها
سیاسی م. ل. در برابر آنچه که ما میگوئیم میگویند:
نه! این حکومت چیزی جز حکومت بورژوازی امپریالیسم
نیست. به عبارت دیگر این تضادها و
اختلافات را که هزار چندگانه شدت چند درون
حکومت و چه در سطح جهانی تظاهر میکنند تضادهایی
درون بورژوازی بطور کلی محسوب میکنند و در
نتیجه آنها را تضادی درون "بورژوازی جهانی"
میدانند. آنها همانطور که قبلاً اشاره کردیم به
وقایع و حوادثی که میگذرد اعم از تصرف سفارت
آمریکا و یا تأیید این عمل و غیره به چشم "سناریو"

آنها نمیتوانند در برابر سرمایه انحصاری انسان را در موضع
انقلابی قرار نمیدهد. بلکه ضدیت از موضع انقلابی، یعنی از موضع مصالح و منافع
آتی خرده بورژوازی میتواند چنین ضدیتی را مایه انقلابی بدهد و بس.

است که توسل به اقداماتی از قبیل فشار به جناح
خرده بورژوازی حکومت از طریق محاصره، قطع
خرید نفت، وتدارک نیروهای فراژمان شاه
خاشن، ضروری میشود. آنها امید خود را به بورژوازی
لیبرالها از دست نمیدهند اما از این طریق راه را
برای وادار کردن جناح خرده بورژوازی به تاسی
از بورژوازی لیبرالها همواره میکنند، کاری که در
آینده باز هم نتوانست موشربا شود و همانطور که نشان
خواهیم داد امپریالیسم آمریکا را واداشته است

در عین حال ما با گسترش مبارزه توده ها
روبروئیم. گسترشی که تا اوایل سال گذشته
آنچنان وسیع است که امپریالیسم را از ذهن
خرده بورژوازی حاکم بیرون میکند. کارگران
و دهقانان دست به مبارزه با کارفرمایان و زمین
داران بزرگ میزنند. لایحه واگذاری اراضی
موات نمیتواند خواهسته های توده دهقانی را پاسخ
دهد و آنها به درگیری و برخورد های قهرآمیز با
عوامل حکومت و زمینداران کشیده میشوند. جنبش
بیکاری اوج میگیرد و به شورش بیکاران در شهرهای

بقیه از صفحه ۱۱

تفاوت نمیکرد اما بطور کلی در سراسر ایران فعالیت کمونیستها بیش از هر نیروی دیگر در مشکلات جدیدی قرار گرفت.

اما همچنانکه خصیصه کمونیستها و فعالیتهای کمونیستی است هیچکدام از مشکلات فوق مانعی غیر قابل جبران نبوده و نیست. خلأ قوت و ابتکار کمونیستها و تکیه آنها به توده ها همواره راهگشای تداوم فعالیتهای آنهاست.

فعالتهای مخفی در سازماندهی، گسترش یافت و برخی از فعالیتهای علنی (نظیر انتشار روپخش) نیز به عرصه فعالیتهای مخفی افزوده گشت. اما تماس با توده ها بطور کلی و خصوصا در ایام وسیع فعالیت جنبش کمونیستی نمیتواند مخفی باشد البته این تماس که برنامهریزی و هدایت جنبش توده ای محصول آنست در محیط کار روزندگی توده ها از طریق شوراها و تشکلهای دیگر ادامه داشته و دارد و تنهادر شکل آن تغییراتی حاصل میشود. اما هنوز برای بسط آگاهی و تبلیغ و ترویج میان توده ها ابتکار و خلأ قوت جدیدی لازم بود.

"بساط"ها با رديگر وظیفه تماس با توده ها و تبلیغ و ترویج مستقیم و حضوری در میان توده ها را بعهده گرفتند. با رديگر بساطها بعنوان کانونهای علنی مبارزه کمونیستها و انقلابیون بمبستادن آمدند. کارمایه این کانونهای کوچک که چون قارچ از گوشه و کنار شهرها و بعضا قصبات سردرآورده اند چیست؟ عزم آهنین انقلابیون و کمونیستها که از طریق هزاران هوادار مصمم و پرشور و روزه اجسار درمی آید: انقلابیونی که هر روز توده کوچک اما غنی خود را از کتلهای جزوات اعلامیه ها، نوشته های دیواری به کناره ها و خیابانها، گودهای فقیر نشین و محلات کارگری به ارمان میبرند. غرفه های کوچک اما باشکوه "انقلاب" را تزیین میکنند و مصمم و خون سرد در کنار آنها برای انجام وظیفه انقلابی خود میایستند. اینها هستند قهرمانان گمنام و فراوان جنبش انقلابی جامعه ما.

علی رغم تلاشهای جناحهای مختلف حاکم در برچیدن بساط انقلابیون، فعالیت انقلابیون به همراه اعتبار و نفوذ آنها روبه گسترش است و نشانه بارز این گسترش افزایش تعداد بساطها و استقبال مردم از آنهاست. در ۲ ماه اخیر ما شاهد حملات برنامه ریزی شده ای به بساطها در شهرهای مختلف بوده ایم. نمونه های این حملات در درشت قائم شهر، اهواز و تهران بوقوع پیوسته است. اما هر بار با رسوایی بیشتر برای حکومت، مقاومت دلیرانه بساطداران و حمایت بیشتر مردم از آنها انجامیده است. نمونه های متعددی از حمایت های مشخص مردم از انقلابیون بهنگام تهاجم مزدوران غیر رسمی و گاه رسمی (کمیتها و پاسداران) به بساطها هر روز تکرار میشود. و این خود حکومت را به دست و پا میاندازد.

چندی پیش یکی از نمایندگان مجلس طی نطقی خواهان برچیدن شدن بساطهای انقلابیون از گوشه و کنار شهر شد. روحانیون مرتجعی چون غفاری از مشاوران مساجد به تحریک و لجن پراکنی و سازماندهی حملات وحشیانه بر علیه مراکز فعالیت "مخالفین جمهوری اسلامی" میپردازند تا آنجا که مضر و مجروح ساختن جوانان انقلابی و بمب گذاردن در درگاه های سیاسی به یک تلاش دامن اما مذبحخانه ارتجاع جاکم تبدیل شده است. در شهرهای استانهای شمالی بخصوص گیلان توسط روحانیون مرتجع هزار چندگانه جمع آوری عده ای مزدور و بعضا ناآگاه از شهرهای مختلف و فرستادن آنها برای پاکسازی شهرها از پوسترها، اعلامیه ها، شعارها و نشریات انقلابی دامن تکرار میشود اما باز تمام این تلاشها قاذوره جلوه گیری از گسترش فعالیت انقلابیون نمیکرد.

شواهد فوق تماما نشان میدهد که شیوه تبلیغ و ترویج انقلابیون از طریق بساطهای کوچک و فراوان خود شیوه ای موفق و توده گیر است. بهمین خاطر میبایست باز دهی و تاثیر فعالیت بساطها را هر چه بیشتر بهبود داد. بساطهای کمونیستها در واقع مراکز آشنایی توده ها با آنهاست. مراکزی که توده ها در تماس با آن با مضمون تبلیغ و ترویج و حتی روش رفتار کمونیستها آشنا میشوند و بسیاری از قضاوتها و خود را بر این اساس انجام میدهند.

هرگاه زنده ترین و جالبترین و در عین حال مهمترین مسائل روز با لحن و بیانی قاطع ساده و مستدل در نوشته جات دیواری، اعلامیه ها و در گفتگوها و بحثها و مشاجرات جاری آراشته شوند تاثیر

تبلیغ و ترویج مدچندان میگردد. اداره کنندگان هر بساط میبایست به وضعیت ذهنی مردم محل توجه نموده این مسائل و شکل آراشته آنها را تعیین نمایند. انتخاب عناوین جالب در نوشته های دیواری و تهیه اعلامیه های ساده بر این اساس قدرت تاثیر گذار و مضامین انتخابی را بیشتر میکند.

بحثها و گفتگوهای پیرامون بساطها از مهم ترین فعالیت این کانونهاست. مطالعه ذهنیت گروههای مختلف مردم محل و آموختن بهترین نحوه برخورد با آنها جهت انتقال آگاهی به توده ها امری است که میبایست پیوسته و بطور جدی از سوی انقلابیون پیگیری شود. نمی بایست فراموش نمود که تبلیغات ضد انقلابی هیت حاکمه و سوء استفاده آن از احساسات مذهبی توده های مردم پیشداری ها و قضاوتهای نادرست در میان مردم میپردازد. از موثرترین روشهای بر طرف نمودن این پیشداریها و قضاوتها همانا برخورد های مستقیم انقلابیون و ویژه کمونیستها با مردم است. برای موفقیت در این امر باید توجه ما به آموزش از خود توده ها نیز معطوف گردد.

برخوردی که در میان توده ها جهت افشای یکدیگر صورت میگیرد و حتی برخورد آندستاد از مردمی که از روی قضاوتهای سطحی و تحت تاثیر تبلیغات هیت حاکمه به مجادله با انقلابیون میپردازند، هر کدام حاوی آموزشهای بارز و در خصوص این مطلب است که توده ها برای چه شیوه میان و تکیه گاههایی در استدلال بیش از همه ارزش قائل میشوند. مطالعه و این برخوردها تشخیص خصوصیات یک شیوه یا اصولی مستدل با بالاترین تاثیر و بیکی کلام توده ای و وظیفه دانی انقلابیون است. انقلابیون تنها در حین آموزش از توده ها ست که میثاق میباشند اندیشه خود را به آنها بیاموزند و در واقع به یک مبلغ و مروج توده ای تبدیل شوند. اگر مضمون مسائل مورد تبلیغ و ترویج حتی الامکان همگوار و تحت یک برنامه ریزی واحد تعیین گردد، نگاه به توده به تعدد و گسترش این کانونهای کوچک به یک عامل مهم در هدایت اذهان توده ها تبدیل میگردد. برای تأمین یک کیفیت عالی در کار تبلیغی و ترویجی بخصوص در رابطه با بساطها، ضرورت یک سازماندهی پیر تحرک چشم میخورد. سازماندهی که بتواند تجربه روزمره، تجربه خوردهای زنده، بساطها را جمع آوری، تجزیه و تحلیل و جمع بندی نموده، بکار بندند و بر این فعالیت مهم نظارت نماید. تنها از این طریق است که میتوان به نیازهای توده ها به آگاهی، پاسخ شایسته داد و از فداکاری و تلاش جوانان انقلابی بهترین بهره را برای انقلاب تأمین نمود.

ما از تمام هواداران خود میخواهیم که با تشخیص اهمیت فعالیت تبلیغی - ترویجی در میان توده ها از تمام امکانات خود برای گسترش این فعالیت بهره برداری کنند. خلأ قوت و ابتکار انقلابی که اکنون در دایر نمودن و تداوم کار بساطها جلوه گراست سرچشمه پایان ناپذیر فعالیت انقلابیون و ویژه کمونیستهاست. سرچشمه ای که حیا بخش زندگی و مبارزه کمونیستها و پیوند آنها با توده ها را زحمتکش است.

کار مشکل چندبفره بگرداداره هر کدام از این کانونهای کوچک تسلط بر مسائل تئوریک و سیاسی که از مطالعه آرگان سازمان و روزنامه ها و نشریات جاری تا مختلف بدست می آید، به همراه بحث قبلی پیرامون آنها، پیگیری مسائل، جمع آوری شواهد و استناد جهت افشاگریها و یکا بردن موثرترین شیوه دارا کتبی و شفاهی آنها برای توده ها از وظایف اساسی هواداران رزمنده است. جمع آوری تجربیات، تدوین آنها و ارائه آن به سازمان و استفاده از امکانات سازمان در بهبود فعالیتها و فوق بر آوردن این وظایف اساسی را با کیفیتی عالی تروا بعدی گسترده تر ممکن میسازد.

کار مشکل برای فعالیتهای تبلیغی و ترویجی از طریق بساطها در صورت کاربرد خلأ قوت و ابتکار نمیتواند دست آوردهای بیشتری نظیر تهیه گزارش از محلات، کار مشخص با افراد زحمتکش و مبارز و تشکیل هسته های فعال در محیط را بدنبال داشته باشد. اینها دست آوردهای دیگر فعالیت توده ای کمونیستها هر کدام گام از رزندگان در جهت رشد و تعالی جنبش کمونیستی است که تنها به همت انبوه جوانان پرشور و انقلابی میسر مییابد.

بقیه از صفحه ۱۲

میتینگها، دفاتر، تظاهرات، فروشندهگان نشریات، بخش کنندگان اعلامیه ها و امثالهم توسط دستجات اجرایی خصوصی "حزب الهی" بود حتی بعدها بنی مدرنیز برای اعمال سیاستهای خود از مردم میخواست که خود را رد عمل شونده گردستان را هیما بی کنند، گوش بفرمان او باشند و در واقع منظور این بود که از اقدامات گروههای خاصی حکومت نظیر "حزب الهی" و یا پاداران و یا داروستانهای دیگر حمایت کنند.

هیچکدام از شیوه های ایدایی و مرعوب کننده هیات حاکمه بر علیه انقلابیون، فعالیت های انقلابیون و بخصوص کمونیست را متوقف ننمود، بخصوص کمونیست ها که بنا به رشت خود مقاومترین و پیگیرترین انقلابیون هستند قربانی میدانند و فعالیت های موفق علنی خود را از طریق دفاتر، انتشارات، ارگانها، میتینگها و تظاهرات به پیش میبردند.

تجربیات توده ها که در اثر رشد مبارزه طبقه ای و ملمس ماهیت هیات حاکمه بدست میآید و در روز بروز بر حمایت توده های کارگر، وکلا، زحمتکش و عده کثیری از روشنفکران نسبت به کمونیست ها می افزود، ضعف هیات حاکمه در جلوگیری از رشد فزاینده مبارزه، طبقاتی، تضیاد درونی هیات حاکمه را در من میزد و این تضاد به تحولات سیاسی در حکومت و عکس العمل آن در مبارزه، طبقاتی در جهت رشد این مبارزات عمل میکرد. سقوط سیاسی بورژوازی لیبرال، اشغال بفارت، و عواقب بعد از آن از جمله تحولاتی بود که به نوبه خود به مبارزه طبقاتی در من میزد و بخصوص محنت گفتار و حقایق فعالیت انقلابیون را نشان میداد.

مجموعه عوامل فوق باعث شد تا بنیر مختلفی از سوی هیات حاکمه در جهت جلوگیری از فعالیت انقلابیون کمونیست و غیر کمونیست شد، یورش سراسری به این فعالیتها در مرداد ۵۸ در تنه مدتی کوتاه موفق بود و بزودی درهم شکست، یورش بعدی از آغاز سال جدید (۵۹) بر نامه ریزی گشت و تحت عنوان "سال امنیت" که کاملاً مشخص بود که لبه تیژ آن متوجه انقلابیون است طرح گردید اما با زاین بر نامه ریزی که قرار بود بنظر ارت و ابتکار عمل رئیس جمهور در گردستان و ترکمن صحرا و سراسر ایران به اجرا درآید به علت عدم حمایت واقعی مردم در درجه اول و تضادهای در حکومت در درجه دوم، به تعویق افتاد، تا اینکه خرده بورژوازی حاکم در پوشش روحانیت همین وظیفه را تحت عنوان "انقلاب فرهنگی اسلامی" در پیش گرفت که با زهم لبه تیژ آن متوجه انقلابیون و از محصولات فرعی آن خشنی سازی بنفوذ بنی مدبر بود.

برگزاری انقلاب فرهنگی که هیات حاکمه در مجموع به بالا خنجره هر جناح بنوعی در خدمت اهداف اصلی آن در آید و به جهت بستن دانشگاهها محدودیت و کلیه دفاتر انقلابیون را مورد حمله قرار داد و قانون ممنوعیت انتشار و فروش و حتی خریدارگانهای سازمانهای کمونیستی وضع گردید و سپس حملات گسترده شرعی و عرفی به سایر سازمانهای انقلابی (مجاهدین) آغاز گشت، هیئت حاکمه که رسماً و عملاً هر گونه میتینگ و تظاهرات را ممنوع و با قاعده آفرینی امجدیه و تبلیغات پیرامون آن بر عزم خود به آتش و خون کشاندن تجمعات انقلابی عملاً تاکید نمود.

در شرایط جدید فعالیت کمونیست ها که از اوایل سال جاری شروع گشت و با "انقلاب فرهنگی اسلامی" علیه یافت، کمونیست ها قبل از هر نیروی دیگر امکانات موجود خود را (دفاتر، میتینگها، امکانات عادی انتشار و پیش ارگانها) از دست دادند. دیگر دفاتر علنی قادر به ادامه کار نبودند، دیگر جایگاه ها که حاضر به چاپ ارگانها نمیشدند و دیگر فروشندگان خرده پا از فروش علنی نشریات معذور میگشتند و بالاخره دیگر تجمعات مستقیم و وسیع با توده ها که از طریق میتینگها سخنرانی ها و تظاهرات برقرار میگشت جز با درگیری های شدید قابل ادامه نبودند و البته با توجه به اوضاع سیاسی جامعه و بهره برداریهای وسیع ضد انقلاب از این درگیریها از نظر تاکتیکی مقرون به صلاح نمیشدند. اگرچه این اوضاع جدید در فعالیتها در مناطق مختلف و بنا به میزان حمایت توده ها و بنفوذ انقلابیون وضع و قوت هیات حاکمه

و در پی آنها به بحث و گفتگو میایستادند. سرگونی رژیم شاه دوران و شرایط جدیدی از فعالیت انقلابی را در پی خود داشت. در حالیکه حافظین گذشته نظم سرمایه داری وابسته یعنی رژیم شاه درهم ریخته و هنوز قدرت سیاسی جدیدی برای برقراری دستگاه حفاظت نوین آن نظم را نداشت فعالیت های وسیع انقلابیون امکانات علنی مهمی پیدا نمود. اگرچه هیات حاکمه جدید چنان به قوانین گذشته و معیارها و ضوابط آن استناد میکرد و بر این مبنی تمام فعالیت انقلابیون در واقع غیر قانونی بود اما بهیچ وجه نمیتوانست از علنی شدن این فعالیتها جلوگیری نماید. و این ناتوانی اولاً مطابق موقعیت پریشان هیات حاکمه بود که هنوز نمیتوانست نسبت به افکار عمومی بی اعتنا باشد (افکار عمومی توده های مردم که بهیچ وجه پذیرش قوانین ارتجاعی را نداشتند) و ثانیاً معلول گسترده گسی و عزم و ابتکار انقلابیون و به ویژه کمونیست ها در فعالیتها پیشان بود که علی رغم هر توطئه و تحریک و مانعی هم چنان راه خود را پیکار میکرد و ادامه میداد.

انتشار علنی و بطور کلی آزادانه نشریات انقلابی و استفاده از امکانات علنی در پیش و فروش آنها، استفاده از امکانات علنی در برگزاری میتینگها، تظاهرات، سخنرانی ها و حتی گشتا پیش دفاتر علنی در حالی صورت میگرفت که ارتجاع حاکم تنها نمیتوانست دستجات مزدور "حزب الهی" را سازماندهی کند، به خرابکاری و حملات بفرستد و البته آنها را مستقل از خود و بدو از ناحیه مردم و آن خود سنازد. هیات حاکمه هنوز برای زمینه سازی حملات آشکار و قانونی به انقلابیون به جعل اسناد، تحریک، فتوا و جنگ افروزی و صحنه سازی مشغول بود. شرایط ما مدافعان فعالیت علنی و کمونیست ها امکانات گسترده ای را در برقراری تماس با توده ها از طریق دفاتر و میتینگها و تظاهرات بوجود آورده بود و در نتیجه بساطت ها دیگر نقش مهمی از این لحاظ پیدا نداشتند، بلکه بیشتر جهت ارائه نشریات و کتب و جزوات بوجود میآمدند که حتی از سوی کتا بفروشان خرده پا به مقیاس وسیعی برپا میگشتند. علاوه بر سهو لت و نشر و پیش ارگانها و اعلامیه ها برای مردمی که از طریق دکه های معمولی کتا بفروشی و حتی روزنامه فروشان حرفه ای بدین نوشته جات دسترسی داشتند، برخورد مستقیم مردم به انقلابیون نیز از طریق دفاتر، میتینگها و تظاهرات گاه چند صد هزار نفری تا مین میگشت. حتی انقلابیون گاه به راه دیو و تلویزیون و بطور مطبوعات قانونی راه می یافتند و در هر بار استقبال وسیع توده ها از مباحثات متقابل رو بر و گشته و برداشته بنفوذ و جلب حمایتشان افزوده میگشت.

یورش ارتجاع به فعالیت های انقلابیون و در واقع به انقلاب درست از تشخیص خطر فزاینده موجودیت و فعالیت آنها برای حکومت نشأت میگرفت. گردستان و ترکمن صحرا بارها زیر آتش گلوله و هجمه های ارتش و پاداران قرار گرفت اما هیچ موقع این یورشها مجسراً از حمله سراسری به فعالیت های انقلابی صورت نپذیرفت و بالعکس شکست این یورش ها در اثر مقاومت مسلحانه خلق کرد و افشاگری های وسیع سراسری بر علیه هیات حاکمه تحقق مییافت و شرایط ما عد برای فعالیتهای انقلابی در گردستان، ترکمن صحرا و سراسر ایران را مجموعاً فراهم میکرد، تهاجم و عقب نشینی ضد انقلاب در مقابل پیشروی انقلاب درست این واقعیت را نشان میداد که جبهه انقلابیون جبهه ای گسترده در برابر سراسر ایران است و پیشروی و عقب نشینی بخشهای مختلف آن تمام بخشهای دیگر را به کنش و واکنش و میزاد.

هر چه ضد انقلاب فشرده تر و سازمان یافته تر میگشت بر میزان تبلیغات و تحریکات خود بر علیه انقلابیون و بخصوص کمونیست ها میافزود و البته بتدریج بر افکار عمومی توده های بی که خارج از دایره تبلیغات و توهیمات نسبت به هیات حاکمه قرار میگرفتند بتدریج اعتنا تر میگشت و با اصطلاح بی پروا و جسور تر میگشت، بتدریج حملات ارتجاع به نیروهای انقلابی جنبه قانونی بخود گرفت، برای مطبوعات، فعالیتهای علنی، و اصولاً موجودیت سازمانهای انقلابی، قوانین جدیدی وضع گردید. اما هنوز هم هیات حاکمه ناتوان از اجرای آن، عمدتاً به شبکه نیمه رسمی-نیمه علنی ولی دیگر رسوا شده "حزب الهی" متوسل میگشت، و شیوه اصلی مقابله با انقلابیون همانا حمله به

بقیه از صفحه ۱

کانوهای ...

تبدیل میکنند. مشاجراتی که در آنها با پیداز روی مدارک و شواهد و بدقت و با قانع کننده ترین شیوه ها پاسخ و صحت عقیده و استدلال را نشان داد. و نظاره گران و داوران این برخوردهای زنده و فعال شده های مردم هستند. توده هایی که معمولا فرصت و امکان تجربه این چنین برخوردهای بی پروا و همه جانبه ای به مسائل را ندارند، توده هایی که عطش آنها برای دریافت حقیقت سیراب ناشدنی است، توده هایی که علی رغم تمام تحریکات و سوء استفاده هایی که از احسانات آنها میشود اما به تجربه و به مدد آگاهی فزاینده خود به رسیدن به حقیقت بیش از هر چیز دیگر اعتقاد دارند.

بساط های جریان های انقلابی و از جمله کمونیست ها امروز جزئی از زندگی روزمره، بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ شده است. بخصوص محله های زندگی توده های زحمتکش بیش از هر جای دیگر مورد توجه این بساط ها است. استقامت و پیگیری جوانان پرشور دانه کننده این بساط ها از یک سو و میل توده ها به حضور و فعالیت انقلابیون از سوی دیگر عوامل اصلی بقاء و گسترش بساط ها هستند. بقاء و گسترش که هر روز با هجوم های گاه و بیگاه دستجات مزدور و لگدان حرفه ای رویرو میشود مزدوران سازمان یافته ای که با عریضه های وحشیانه به کانوهای کوچک و گرم انقلاب حمله میبرند و با تیغه های چاقو نوشته جات دیواری را میدرنج و جوات و کتا بهار را لگدمال میکنند، با فحش و ناسزا به جوانان انقلابی حمله میبرند و وحشیگری خود را برای مردم به نمایش میگذارند.

برخوردهای قاطع و افشاگرانه بساط داران که هر روز با حمایت بیشتری از سوی عابرین و مردم اطراف رویرو میشود نشان دهنده جنبه دیگری از صفات انقلابیون است. برخوردهایی که در هر مورد عده بیشتری را جلب و دستجات مزدور و میان اصلی آنها را که میانساهای مختلف هیات حاکمه هستند منزوی ترمیم سازد. وحشیست و استیمال ارتجاع از حضور و فعالیت انقلابیون هر روز چندین بار در گور شه و کنایه شهریه نمایش گذارده میشود. و هر بار مردمی که از وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه بنگر آمده اند و جوهر مشترک بیشتر میان خود و انقلابیون در مقابل مزدوران "نظم" ارتجاعی حاکمه مینابند.

پس از هر پرورش رسوای موج نفرت و خشمی که از حرکات و حشیانه ولگردان برمی خیزد، باز رقیبی از گوشه ای بسته جدیدی از جزوات و کتا بهار می آید. باز چند نوشته بردیوار قرار میگیرد و با دیگر بساط ها برای پذیرش نگاه ها و اذهان جستجوگر توده ها - این مخاطبین دایمی زبان و قلم انقلابیون - آماده میشوند.

اولین ابتکارهای انقلابیون و بویژه کمونیست ها در پهن کردن بساط که البته همواره غیرقانونی اما همواره متکی به حمایت توده ها بوده است، به دوران اوگیری جنبش انقلابی بر علیه رژیم شاه بر میگردد. این بساط ها معمولا در اطراف محله ای که توده ها برای خیرگیری و مبارزه جویی در آنجا مجتمع میشدند پهن میشد. اطراف دانشگاه ها، برخی از چهارراه ها و خیابانهای پررفت و آمد بهترین نقاط برای بساط ها بود. چند کتا ب "سفید" غیرقانونی و نایاب از بساط کوچک رفیقی بیرون می آمد برای مدتی در کف خیابان پهن میشد و با انبوهی از خریدار و مواجه میگشت. دسته ای اعلامیه در گوشه جمعیت قرار می گرفت و گاه به دیوار چسبیده میشد و به این ترتیب اشاعت آگاهی کانونی کوچک می یافت. عمرا این بساط ها بستگی به اطلاع پلیس و

ما موران حکومت نظامی داشت که وحشیانه و حتی گاه با تیراندازی به بساط ها حمله میبردند و عده ای را مجروح میکردند و گاه رفیق را به جنگ آورده و مضروب و مدحش بطرف کانوهای متکشان میزدند.

اما با زدن میان جمعیتی که در اطراف نظر راه و گوشه گیریهایی حافظین رژیم ضد انقلابی بودند و با شعارهای انقلابی خود بساط و انقلاب را میکوبیدند رقیبی دیگر دسته اعلامیه را در هوا پخش میکرد و هنوز شبح منحوس نظامیان و پلیس محو نشده بود که از درون تاک کوچکی کتا بها و جزوات جدیدی بر سنگفرش خیابان پهن میشد.

هر چه جنبش انقلابی رویه رشد میگذارد و عمومی تر و همگانی تر میشد دوام و بقای بساط ها بیشتر میگشت و تعداد آنها فزونی میگرفت. هنگامیکه بساط های انقلابیون بصورت نمایی به کتا ب و عکس در مدارس و پارکها و دانشگاه ها و گوشه های خیابان در اقصای نقاط شهرها پهن میگشت دیگر کار ملا معلوم بود که شیرازه اموا از دست رژیم شاه خارج گشته است.

آری رشد بساط ها با قدرت رژیم نسبت معکوس داشت. و البته جز این نیز انتظار نبود زیرا بساط ها از آزادی و انقلاب خبر میدادند و قدرت رژیم از خفقان و ارتجاع.

در آستانه فروپاشی رژیم شاه و آنگاه که امپریالیسم در صدد پیداکردن راه حلی برای جلوگیری از رشد بیشتر انقلاب، حتی به تبهایی قریبی کردن دارو دسته شاه جهت سازش با روحانیت متنفذ در جنبش انقلابی بود، و هنگامیکه این روحانیت در کتا ب و روزوازی - لیبرال راه سازش را پیشه کرد، حملات برنا مریزی شده به انقلابیون و کمونیست ها آغاز گشت. و البته در ابتدا این حملات عمدتاً جنبه تبلیغی داشت اما جلوه های مشخص عملی خود را در حمله به نظرات و نیروهای انقلابی و بویژه کمونیست و حمله به نمایی کتا بها و عکس و پاره کردن اعلامیه ها و پوستره های کمونیست ها نشان داد.

برای فعالیت کمونیست ها و از جمله بساط ها دشمنی جدید قد علم میکرد دشمنی تحت عنوان "حزب الله" که معمولا از ماسا جدمحل، سازمان می یافت و عوامل اجرایی آن افراد مشکوک و بعضا واکیهایی ناشناخته بودند. اما "حزب الله" که خود را نیروی مبارز با رژیم شاه نشان میداد هنوز خشم و نفرت مردم را بر نمی انگیزد و با استفاده از احساسات و نفرت مردم از رژیم شاه فعالیت های خود را بر علیه انقلابیون و بویژه کمونیست ها محق جلوه میداد. "حزب اللهیان" حرفه ای به چاقو و قمه و زنجیر و پنجه یکس مجهز بودند و بخصوص حملات فقیر نشین را مرکز فعالیت خود نموده و از همان ابتدا در صدد پاک نمودن نفوذ روزافز و کمونیست ها در میان توده های زحمتکش بودند. همین "حزب اللهیان" حرفه ای بودند که بعدها عوامل اجرایی بسیاری از کمیت ها شدند و با زوی چاقو داری جریان های نظیر حزب جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. اما در آغاز فعالیت خود ما هیت آنها بر توده ها پوشیده بود.

کمونیست ها از یک سو با رژیم شاه و از سوی دیگر با دشمنان جدید "حزب اللهی" مواجه گشتند. اما مواج جنبش انقلابی بسیار وسیع تر و عظیم تر از آن بود که کمونیست ها بتوانند با هی در میان توده ها شنا می کردند عرصه را بر خود تنگ بیند. کمونیست ها در کتا ب و رخانات، در ادارات در کوچه ها و خیابانها با دشمن عمده و دشمن جدید خود هر کس را م بفرار خورا همیشتان مبارزه میکردند و برای بساط آگاهی و متوجه کردن توده ها به جهت انقلابی مبارزه میکوشیدند. و بساط ها که در آن روز در کتا لب نمایی ها و دکاهای کوچک کتا بفروشی تجلی می یافت هر روز رشد و گسترش بیشتری داشت و در دوران افتاده ترین نقاط کشور پهن میگشت. دانشجویان و دانش آموزان فعال ترین و پرتحرک ترین نیروی گسترش این بساط ها بودند. کسانی که چون قاصد های انقلاب کوله بساط اعلامیه ها، جزوات و کتا بها و پوسترها را حتی به دهات حمل میکردند

**قطع کامل دستهای خونین امپریالیست ها
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!**

ضمیمه سیاسی خبری 'رزمندگان' ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۲۷ مرداد تک شماره ۲۰ ریاال شماره ۲۵

"کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند.
کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی کنند. کمونیستها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند."
ولادیمیر ایلیچ لینن

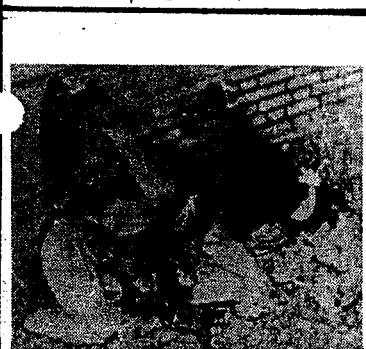
پیک رزمندگان

۱۶ صفحه

ویژه نامه گردستان

به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

بیاد رفیق شهید بهمن عترتی معلم و مبارز زحمتکشان



یاد شهدای خلق کرد گرمی باد!



نگاهی کوتاه به جنبش مقاومت خلق کرد



کارگران

چون کوهی

استوار

در مقابل

لغو سود ویژه

ایستاده اند!

سرانجام، حکومت
حاکمی سرمایه داران،
حمله جدیدی را بر علیه
طبقه کارگر آغاز کرد.
شورای انقلاب کوه
جناح های مختلف حکو-
مت در آن، همواره دست
به دست هم داده و بر علیه
کارگران و زحمتکشان
اقدام کرده اند، در
آخرین روزهای حیات
ننگین خود با لغو سود
ویژه کارگران سبند
کشیف دیگری بر پرونده
قطور اقدامات ضد خلقی
خود افزود. وزیر کار
و سایر مقامات دولتی،
با و قاحتی که فقط
شایسته خودشان است،
به دفاع از این قانون
ضد کارگری پرداخته اند
و حتی بی شرمانه آنرا به
نفع کارگران قلمداد
کرده اند!

در صفحات دیگر میخوانید

کودتای شوم ۲۸ مرداد

درس بگیریم!

حمله وحشیانه

پاسداران به

خوابگاه

دانشجویی

روی ساواک

راسفید کرد!

دو فرزند

خلق ترکمن

تیرباران شدند!



اخبار
کردستان
فهرمان



اخبار
کوتاه



امپریالیست ها هرگاه منافع خود را در
کشوری در خطر ببینند به انواع حیل و
دسایس دست میزنند تا اوضاع را بنفع خود
تغییر دهند. آنها در این راه پیوسته از متحد
پن داخلی خود بهره جسته و آنها را بسیج
میکنند و برای آنها اندازند. امپریالیست ها
وقتی متحدین داخلی شان در ضعف قرار
داشته باشند مستقیماً با قوای نظامی شان
به تها و زولشگر کشی و جنگ میپردازند.
اما زمانی که از لحاظ داخلی متحدین قوی
داشته باشند، از طریق اغتشاش، نا امنی
و سرانجام کودتا کوش می کنند تا تمام
قدرت را به جنگ بیاورند. در چنین شرایطی
طبقات مرتجع و ارتشهای ضد خلقی و دسته ها
و شبکه های مزدوران داخلی پایه ای برای
اعمال قدرت نظامی کودتا محسوب میشوند.
کودتای ننگین ۲۸ مرداد نیز چنین
سرشتی داشت. درحالی که حکومت ملی دکتر
مصدق می کوشید تا قدرت را به شیوه قانونی
از دست دربار و شاه خارج کند، امپریالیست ها
که حاکمان خود را در خطر میدیدند، توطئه ها
را برای تدارک کودتا آغاز کردند. اما هر
کودتایی علاوه بر آنکه به یک طبقه اجتماع
تکیه دارد، برای تحقق آمال خود به ابزار
سزکوب نیز نیاز دارد. و یک ارتش مزدور
بقیه صفحه ۹

► کارگران ...

اما در این میان، جناح حزب جمهوری اسلامی که نزدیک به دو سال است که دست در دست جناح دیگر حکومت به سرکوب کارگران و زحمتکشان و فریب آنها مشغول است، با هیاهوی بسیار خود را مخالف این قانون ضدکارگری وانمود میکند! موضع فریبکارانه حزب جمهوری اسلامی از آنجا اهمیت بیشتری می یابد، که این حزب در اکثر کارخانه ها، بوسیله شوراهای فرمایشی و انجمن های اسلامی خود، کانون های توطئه ای را تدارک دیده است که هرروزه کاری جز فریب کارگران، ایجاد محیط رعب و وحشت، نقان در کارخانه، اخراج کارگران مبارز و مومنی و حمایت از منافع سرمایه داران ندارند.

آری، این حزب اینک ناگهان خود را مدافع طبقه کارگر جاذبه وسیعی میکند خود را مخالف تصویب نامه شورای انقلاب قلمداد نماید.

ما معتقدیم طبقه کارگران با این علت واقعی تصویب این قانون ضدکارگری و رابطه آنرا با بحران اقتصادی - سیاسی کنونی نظام سرمایه داری وابسته ایران و همچنین راهها و سیاست های رژیم جمهوری اسلامی برای حل این بحران را بشناسد، تا بتواند مبارزات خود را در جهت تامین منافع بلند مدت و کوتاه مدت خود، بهتر و دقیق تر سازماندهی کرده و گسترش دهد.

ما برآنیم تا در دو شماره پیک، ابتداء مواضع حزب جمهوری اسلامی و حیلگری های آنرا بر ملا کرده و آنگاه دلایل حکومت و نیز اجبار آنرا برای حمله به ابتدایی ترین حقوق طبقه کارگر توضیح دهیم.

در این ضمن، تکیه بر این نکته ضروری است که گرچه هر دو جناح حکومت، اینک آماج مبارزات کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران قرار گرفته اند، با این وجود، از آنجا که هر کدام به شیوه خود سعی در فریب و سرکوب مردم دارند، بهتر است هر کدام را در جای خود با شیوه های فریب و سرکوب مخصوص به خود، افشاء و طرد کنیم!

حزب جمهوری اسلامی ودارودسته اش چه می گویند!

حزب جمهوری اسلامی که در تمام دوران بعد از قیام در سیاستها و اقدامات ضدانقلاب

کردن این سند ضدکارگری مخالفت خود را با آن اعلام نکرده اند؟ پس حزب جمهوری اسلامی همراه و متحد با جناح دیگر هیئت حاکمه یعنی بنی صدر متحداً در تصویب این قانون ضدکارگری سهمی هستند و یا مضافاً بر دو جناح ضدانقلابی رسیده است.

حزب جمهوری اسلامی به هیچ وجه مخالف تصویب نامه شورای انقلاب در لغو سودویژه نیست، و شاهد این ادعا نیز امضای رهبران حزب جمهوری اسلامی بر پای تصویب نامه است، مگر اکثریت اعضای شورای انقلاب را اعضای این حزب جمهوری اسلامی تشکیل نمیدهند؟ مگر بدون موافقت آنها شورای انقلاب میتواند نیست چنین قانون ضدکارگری را تصویب کند؟ اگر رهبران این حزب با این تصویب نامه مخالف بودند چرا پیش از امضاء کردن این سند ضدکارگری مخالفت خود را با آن اعلام نکرده اند؟

دوم اینکه: مخالفت و هاپیهی حزب جمهوری اسلامی و کانون هماهنگی شوراهای اسلامی وابسته به این حزب با لغو سودویژه اینست که این کار به موقع صورت نگرفته است و تنها در شرایط کنونی درست نبوده است.

گردانندگان این حزب میگویند: "اگر مصوبه ضرورت داشت، لازم بود که شورای انقلاب صبر نماید و رسیدگی به وضع آن را به عهده مجلس شورای اسلامی بگذارد" حزب جمهوری اسلامی با لغو سودویژه هیچ مخالفتی ندارد فقط آنرا زود میداند و به شورای انقلاب نصیحت میکند که باید صبر میکرد و فرصتی دیگر به این عمل ضدکارگری دست میزد.

سوم اینکه: یکی از دلایل ناراحتی نشان دادن حزب جمهوری اسلامی و "کانون هماهنگی" وابسته به آن از تصویب لغو سودویژه اینست که چرا به اندازه کافی قبل از اعلام رسمی آن زمینه سازی لازم نشده است. دقت کنید! حزب و کانون وابسته به آن میگویند: "چون این ارگانها از قبیل وزارت کار، در طول این مدت بیش از همه مورد هجوم تبلیغاتی بوده اند لذا لازم است که قبل از اتخاذ تصمیم، اول شرایط اجتماعی مردمی را که میخواهند مجری

بی و ضدکارگری و سرکوبگرانه هیئت حاکمه نقشی فعال داشته و ما هیئت ضدکارگری خود را در این ۲۰ ماه به خوبی نشان داده است، کوشش میکند که خود را مخالف تصمیم اخیر شورای انقلاب نشان دهد، و تشکیلات با صلاح کارگری وابسته به این حزب یعنی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارخانجات نیز در این زمینه سروصدای زیادی راه انداخته است. کارگران نباید به مخالفت خوانی های عوام فریبانه حزب ضدکارگری و عناصروا وابسته به آنها توجه کنند زیرا نگاهی دقیق به عمق حرفها و عملکردها و مقاصد ضدکارگری آن بخوبی ماهیت آنرا روشن میکند در رابطه با موضع حزب جمهوری اسلامی و تشکیلات وابسته به آن باید به چند مسئله توجه کرد.

اول اینکه: حزب جمهوری اسلامی به هیچ وجه مخالف تصویب نامه شورای انقلاب در لغو سودویژه نیست، و شاهد این ادعا نیز امضای رهبران حزب جمهوری اسلامی بر پای این تصویب نامه است. مگر اکثریت اعضای شورای انقلاب را اعضای همین حزب جمهوری اسلامی تشکیل نمیدهند؟ مگر بدون موافقت آنها شورای انقلاب نمیتوانست چنین قانون ضدکارگری را تصویب کند؟ اگر رهبران این حزب با این تصویب نامه مخالف بودند چرا پیش از امضاء

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

نگاهی کوتاه به جنبش مقاومت خلق کرد

و بدست آوردن زمین ماندند، اما خلق کرد ۲ هفته بعد از انقلاب طی قطع نامه ای در ۸ ماده خواستهای خود را مطرح کرد، و طبعی این قطعنامه آنها خواهان شرکت تمامی کارگران و زحمتکشان ایران در دولت موقت شدند و از دولت موقت خواستند که با دادن خود مختاری و رفع ستم اقتصادی در کردستان، محاکمه انقلابی ارتشیان جنایتکار، برپایی شوراهای انقلابی در پادگانهای کردستان، حقوق مسلم خلق کرد را برآورده سازد.

اما خلق کرد در کنار طرح خواستهای خود با هر قانون، با هر رای گیری و با هر عملکرد ضد دموکراتیک و ضد انقلابی رژیم به مبارزه بر میخواست و خود نیز برای کسب خواستهای خود دست به مبارزه میزد، خلق کرد از رای دادن به فرماندوم جمهوری اسلامی خودداری کرد، آنها فریب شعار "ارتش اسلامی" را نخورده و علیرغم فرمان حمله به پادگانها به خلع سلاح پادگان مبارزان پرداخت

یکسال از فرمان ضد انقلابی یورش به کردستان میگذرد، فرمانی که بر اثر آن دهها نفر مبارزان انقلابی کرد، به جوخه اعدام سپرده شدند هزاران خانه ویران گشت، هزاران خانواده تاراج شدند، دهها نفر به شهادت رسیدند و مبارزان خلق کرد دوران جدیدی از حیات خویش را آغاز کردند. فرمانی که توده های ناگناه سراسر ایران را که به جمهوری اسلامی اعتماد و اطمینان داشتند علیه خلق قهرمان و آگاه کرد بسیج کرد و با خود یورش سراسری به دستاوردهای انقلاب را در سراسر ایران به همراه داشت.

خلق کرد در یکسال مبارزات رودر روی خود با ارتش و پادشاهان رژیم جمهوری اسلامی، با دروغها و فریبهای حکومت و با هیئت ویژه مذاکره دولت آبدیده شد و اینک در کنار زمانهای سیاسی خود به مبارزه و مقاومت در مقابل تهاجمات جمهوری اسلامی ادامه داده و با به پای کارگران و زحمتکشان مبارزان و آگاه



زمینه فرمان سرکوب زحمتکشان شهر و روستاهای کردستان از مدت ها قبل آماده شده بود، دولت به جای پاسخگویی به حقوق خلق کرد، به مسلح کردن فئودالها، به تقویت ارتش در پادگانهای کردستان، به فرستادن هر چه بیشتر پادشاهان و گذاردن کنترل شهرها به دست آنان دست میزد.

خلق کرد برای برآوردن و رسیدن به خواستهای خود دست به تشکیل شوراهای شهر و اتحادیه های دهقانی زد و از قبول رهنمودها و فتوای ضد انقلابی و سازشکارانه حکومت و حکومتیان سرباز زد، دهقانان کردستان به مصاف با انقلابی زمین ها پرداختند و فئودالها را از دهات بیرون انداختند، شهرنشینان خواستار اداره شهر توسط شوراهای مردمی شدند.

آری خلق کرد که کم و بیش ماهیت ضد مردمی هیئت حاکمه را شناخته بود، در جهت به تحقق پیوستن خواستهای خود به مبارزه ادامه داد، خلق کرد با سابقه مبارزاتی چندین ساله خود و بعلاوه ویژگی مبارزه طبقاتی در کردستان - وجود ستم دوگانه ملی و طبقاتی - در جهت اعمال قدرت سیاسی توده ای مبارزه میکرد، این حرکت توده ای و تضاد آن با منافع هیئت حاکمه، کیفیت

سراسر ایران علیه نابودی نظام سرمایه داری وابسته مبارزه میکند، سالگرد فرمان یورش به کردستان فرصتی است تا با نگرانی دیگران به مبارزات خلق کرد بپردازیم:

مبارزات خلق کرد از فردای قیام ادامه یافت، اگر مردم تمامی نقاط ایران تا حد بسیاری فرمانها و فتوای حکومت را باور کرده و به سرکار خود با زنگشته و منتظر رسیدن به خواستهای خود شدند برای خلق کرد، کسب آزادی و پیروزی انقلاب در بدست آوردن حق خود مختاری معنی داشت، خلق کرد که فعالانه در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت نموده بود فردای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آنچه را که در راه آن مبارزه کرده بود، از رژیم جمهوری اسلامی خواست، کارگران به کارخانه ها نگشتند، دانش آموزان و دانشجویان و معلمان و استادان، راه مدرسه و دانشگاه در پیش گرفتند، روستاییان در روستاهای خود منتظر بهتر شدن وضع خود

با تمام قوا از مبارزات خلق کرد پشتیبانی کنیم!

ویژگی‌ها کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

فرزندان کمونیست و انقلابی همراه شد. ۲۸ مرداد ساعت ۳ بعد از ظهر حجت الاسلام حاج سیدصاdq خلخالی به دستورا ما م ع باز کردستان شد. (روزنامه با مداد ۲۹ مرداد) یک جلاد تکمیل کننده فرمان یورش بود. حکومت به درستی دریافته بود که در سرکوب مبارزات خلق کرد، با یحمله را متوجه رهبران سازمانهای سیاسی و کشتار بهترین فرزندان کمونیست و انقلابی آن کند و از آن یورو در عین آنکه حزب دموکرات را منحل و فعالیت آن را ممنوع اعلام کرد و عزالدین حسینی را فاسد خواند و بعد از تسخیر هر شهر، دست به اعدام کمونیست‌ها و انقلابیون آنجا زد. بهمن عزتسی



عبدالله زارعی، حامد امینی، محمدحیدری، علی شهباز، بهدین شیرین، حبیب چراغی، فیض‌الله ضیایی و ابوالقاسم رشوند سرداری اولین دلاوران شهید اعدامهای ضدانقلابی و جنایتکارانه خلخالی جلاد بودند.

حمله به سنندج با این دروغ که در روز ۲۸ مرداد ساعت ۱۲ ظهر از صدای جمهوری اسلامی و در پیام آیت‌الله خمینی شنیده میشد آغاز شد. دموکراتها به پا دگان سنندج حمله کرده و گروهی از زنان را به گروگان گرفته اند!! این خبر تا عصر بارها و بارها تکرار شد. روز بعد این خبر تکذیب شد: شایعه ربوده شدن و گروگان گرفتن زنان صحت ندارد!! (اطلاعات ۲۹ مرداد) اما این مدت برای یورش ارتش و پاسداران به سنندج کافی بود. سنندج نیز اشغال شد و نوبت به شهرهای دیگر رسید.

اما هنوز اشغال ضدانقلابی حکومت به پایان نرسیده بود که مبارزات مردم و سازمانهای سیاسی علیه این همه جنایت آغاز گشت. فردای اشغال سنندج زنان در مقابل استانداری برای آزادی فرزندان شان تحصن کرده و علی‌رغم تمامی کتک‌ها و قنداق تفنگ‌های پاسداران از جای خود تکان نمی‌خوردند. پیشمرگان خلق کرد در کوهها مسلح میشدند و دسته‌های مسلح برای مقابله با سرکوبگران خلق کرد تشکیل میدادند، حکومت در کردستان حتی یک روز نیز نتوانست با خیال راحت فرمانروایی کند. موج تظاهرات دانش‌آموزان و زنان و مردان باقیمانده در شهر خواب آرام از چشم پاسداران و ارتشیان مستقر در شهر ربوده بود یا رویا و پاسداران تنها جاش‌ها و خائنین به خلق کرد بودند، سازمانهای سیاسی مسلح

مقاومت به مبارزات خلق کرد بخشید. رژیم جمهوری اسلامی برای برقراری حاکمیت خود با یخلق کرد را سرکوب مینمود.

در شب عید ۵۸ یعنی تنها یکماه بعد از قیام ۲۲ بهمن ارتش جمهوری اسلامی سنندج را بمباران میکند و ۲۵ کشته و تعداد زیادی زخمی بجای میگذارد. اما توده‌ها هنوز کشتار رژیم شاه را فراموش نکرده بودند. آنها نمیتوانستند کشتار ارتش جمهوری اسلامی را تنها یکماه پس از سقوط شاه بپذیرند و از طرف دیگر، ارتش نیز از مادگی سرکوب همه‌جانبه رانداشت. این بود که علیرغم میل رژیم، این یورش نتوانست سراسری شود. اما این خواست ضدانقلابی رژیم، ۶ ماه بعد، در پی فرمان ضدانقلابی عملی گشت. این فرمان با استفاده از احساسات مذهبی توده‌ها در روز قدس و بعد از کسری حملات منظم به آزادی‌های دموکراتیک در سراسر ایران، از قبیل بستن روزنامه آئیندگان و غیرقانونی کردن تعدادی زیادی از نشریات انقلابی و بستن دفاتر سازمانهای سیاسی و چاپخانه‌ها، در روز ۲۸ مرداد در شد.

زمینه فرمان سرکوب زحمتکشان شهرها و روستاهای کردستان از مدت‌ها قبل آماده شده بود. دولت به جای پاسخگویی به حقوق خلق کرد، به مسلح کردن فتوادلها، به تقویت ارتش در پادگانها کردستان، به فرستادن هرچه بیشتر پاسداران و گذاردن کنترل شهرها به دست آنان دست میزد. اگر این اقدامات در بقیه نقاط ایران - بعزت توهم توده‌ها با سکوت و یا تنها اعتراضات محدود از طرف عناصراگاه و انقلابی روبرو میشد، در شهرهای کردستان با اعتراضات شوراهای مردمی و راهپیمایی‌ها و اعتراضات صدها هزار نفری مواجه بود. مردم کردستان به حکومت جمهوری اسلامی اعتماد و اطمینانی نداشتند.

فرمان یورش به کردستان با نقشه‌ای از پیش آماده و بعد از سرکوب آزادی‌ها در سراسر ایران، و به بهانه کشتار پاسداران پناوه توسط حکومت صادر شد. تبلیغات زهرآگین علیه خلق کرد در اردیبهشت و تلویزیون، در خطبه‌های نماز، در سخنرانیهای پی در پی و در مساجد آغاز گردید تا به مردم ناآگاه و مطمئن به جمهوری اسلامی بقبولاند که سرکوبگران و دشمنان سابق خلقهای ایران و سرکوبگران خلق کرد یعنی پالیزبان، سالار جاف به رهبری حزب دموکرات و شیخ عزالدین حسینی در حال کشتار مردم کردستان و پاسداران هستند و باید به نجات آنها شتافت. در عرض ۱۲ روز تمام شهرهای کردستان به تسخیر ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی درآمد. آیت‌الله خمینی خود را "فرمانده کل قوا" خواند و به دولت اخطار کرد که "اگر با توپها و تانک‌ها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر به سوی پاوه حرکت نکنند و غلبه به اتمام نرسد همه را مسئول میدانم". اگرچه توپها و تانک‌ها و قوای مجهز قبل از ۲۴ ساعت خود را به پاوه و سراسر کردستان رساندند اما این با اصطلاح "غالبه" نه تنها پایان نیافت بلکه شکست‌های مفتضحانه رژیم در کردستان و قهرمانی‌های خلق کرد، هنوز هم ادامه دارد.

حمله سراسری به کردستان با کشتار دهها تن از بهترین

ویژه نامه کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد

انتشار علنی یافت چرا که رژیم قدرت سرکوب همه جانبه جبهه انقلاب را نداشت. راه پیمایی ها و تظاهرات به عنوان های مختلف با ردیگر آغاز شد و رژیم میرفت تا در تمام عرصه ها به عقب رانده شود. شکست در کردستان و اجبار به مذاکره با کسانی که "فاسد" معرفی شده بودند، همراه با اوج گیری مبارزات طبقاتی در دیگر نقاط ایران، وضع رژیم را به خطر انداخته بود. در این میان جریان اشغال سفارت آمریکا به خدمت فریب مجدد مردم کینه دشمنی انقلابی و دیرینی با امپریالیست ها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا دارند، درآمد، اینک حکومت به "نطق" جدیدی نیاز داشت تا مذاکره با عزالدین حسینی که تا دیروز فاسد قلمداد میشد، و حزب دمکرات که منحل و غیر قانونی شده بود، دوباره آغاز گردد! فستوای آن صادر گشت! اما اگر آن

کردستان در کوهها، و روستاها به جنگ پارتیزانی علیه ستونهای ارتشی و پاسداران دست میزدند، هیچ نقل مکان نظامی حتی از یک روستا به روستای دیگر بدون مقاومت و سلاحشورا نه مردم نمیتوانست صورت گیرد پیشمرگان مسلح کردستان در همه جا حضور داشتند و با پشتیبانی و حمایت وسیع مردم در شهرها و روستاها مبارزه و مقاومت مسلحانه خود را علیه تهاجم ارتش ادامه میدادند. پیر و زی های پی در پی رژیم و حالت تهاجمی او در ۱۵ روز اول یورش به سرعت عوض شده و از آن پس اعلامیه های نظامی حکومت حاوی جملاتی نظیر "رفع حملات مهاجمین" و "مقابله با ضد انقلابیون" بود. همه جا زاندارم ها، ستون های ارتش و پاسداران حالت دفاعی گرفته با خشم و نفرتی ضد انقلابی به وحشیانه ترین جنا

شکست رژیم جمهوری اسلامی در کردستان برای توده ها بسیاری مسائل را روشن کرد. روشن شد که جنگ در کردستان، جنگ خلق کرد علیه دولت حامی سرمایه داری وابسته و دشمن تمام مردم ایران است، نه جنگ بین شیعه و سنی، نه جنگ بین پالیزان و سالار جاف با حکومت جمهوری اسلامی و نه!

یات دست میزدند. آنها به روستای "قارنا" حمله کرده و زنان و کودکان و سالخوردهگان روستا را از دم تیغ جنایتکارانه خود گذرانده و فاجعه ای ساختند که در تاریخ همچون جنایات "دیربا سین" از خاطرها محو نخواهد شد. با این حال این مزدوران جنایتکار در مقابل مقاومت هوشیارانه مردم آسیب های فراوانی میدیدند و هر روز بوسیله پیشمرگان قهرمان قلع و قمع میشدند.

شکست رژیم جمهوری اسلامی ۲ ماه بعد از یورش به کردستان آشکار شد. دشمنان رژیم جمهوری اسلامی در کردستان علیرغم آنچه که "چمران" این قاتل خلق فلسطین و جلاد گروه ارتجاعی امل در لبنان، میگفت "۳ هزار نفر ما جم" نبودند بلکه میلیونها سکنه کردستان بودند. پیروزی در کردستان برای هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، برای چمران معاون نخست وزیر وقت، برای فلاحی این تیمسار مزدور ارتش یا مهری که فرماندهی حمله به سنج را به عهده داشت، برای بازرگان و برای تمام مافی حکومتیان خوابوخیالی بیش نبود. خوابی که هنوز به واقعیت نیویسته و هیچگاه نیز نخواهد پیوست!

شکست رژیم جمهوری اسلامی در کردستان برای توده ها بسیاری مسائل را روشن کرد. روشن شد که جنگ کردستان، جنگ خلق کرد علیه دولت حامی سرمایه داری وابسته و دشمن تمام مردم ایران است، نه جنگ بین شیعه و سنی، نه جنگ بین پالیزان و سالار جاف با حکومت جمهوری اسلامی و نه!

شکست رژیم در کردستان در کنار بسیاری عملکردهای ضد انقلابی حکومت او را در تمام نقاط به عقب نشینی واداشت و مبارزات کارگران و زحمتکشان اوجی نوین گرفت. کارگران ییکا به خیابان ریختند، نشریات کمونیستی و انقلابی مجددا



زمان رژیم با طرح مذاکره از یک طرف میخواست خود را صلح طلب نشان دهد و از طرف دیگر شکست خود را در مقابل مقاومت خلق کرد به پوشاندن و زیر پوشش لزوم برگرداندن تمام تفنگ ها به سوی امپریالیسم آمریکا، مذاکره را در مقابل توده ها موجه جلوه دهد، و علت اصلی آنرا پنهان کند، اما چند ماه بعد رشده مبارزه طبقاتی و شکار هر چه بیشتر در حکومت موجب اعتراف خود آنان به علت واقعی مذاکره شد، و بنی صدر در یک مصاحبه با اطلاعات اعتراف کرد که علت فرستادن هیات با صلاح حسن نیت شکست کامل مفتضانه رژیم در کردستان بوده است! (گفتگوی اختصاصی بنی صدر با اطلاعات سه شنبه ۲۰ خرداد)

دولت پیشنهاد مذاکره کرد، حزب دمکرات جشن گرفت، سال زمان چریکهای فدایی خلق و حزب توده از آیت الله خمینی تشکر کردند! و در این میان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) به خلق کرد توضیح داد که "ما با آگاهی سیر اینکه رژیم از موضع ضعف حاضر به گفتگو با خلق کرد شده و با آگاهی برای اینکه از موضع ریاکارانه در جستجوی راههایی برای تفرقه اندازی و کشیدن ماسک صلح طلبی بر روی چهره فاشیستی خود میباشد، برای خنثی کردن نقشه های وی در شرایط مشخص

ویژه نامه کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع مقاومت دلاورانه کردستان

مدت طعم شیرین آزادی و شرکت در ادارهٔ امور را هر چند بسیار ناقص و هر چند به تنهایی و نه در کنار خلقهای سراسر ایران چشید. اما رژیم جمهوری اسلامی نمیتوانست بیش از این آزادی آنان را در ایران تحمل کند، و بسیج و آگاهی روزافزون توده‌های زحمتکش کردستان قهرمان را ببیند، و از اینرو یورش ضد انقلابی دیگری آغاز شد. پیش درآمد این یورش، تهاجم وحشیانه به دانشگاههای سراسر ایران بود این بار تنها جسم با فرمان ضد انقلابی بنی صدر آغاز شد و ارتش که به علت قدرت آتش سلاحهای سنگین، امکان بیشتری برای سرکوب دارد در صفت نخست قرار گرفت.

اما این یورش اگرچه فاصله‌اش با یورش گذشته تنها ۷ ماه بود اما در این ۷ ماه اوضاع بسیار فرق کرده بود. دیگر بخش بزرگی از توده‌ها در مبارزات روزمره خود، رژیم جمهوری اسلامی را شناخته بودند و بالا اقل اعتمادشان را به حکومت از دست

با گسترش مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، و نیز با آغاز فعالیت ضد انقلاب مغلوب در سراسر ایران و بخصوص در کردستان (پالیزبان، سالار جاف و...) برای سرکوب انقلاب و بازسازی هر چه بیشتر سازشکارانی چون حزب دمکرات و سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) اوضاع کردستان بسیار پیچیده تر گشته است!

داده بودند. آنها دیگر دروغهای شاخدار سال گذشته را در مورد بریدن سر پاداران دریا و (۱) گروگان گرفتن زنان (۱) و سوزاندن جسد مسلمانان در کردستان (۱) باور نمی‌کردند. این بار رژیم میبایست آشکارا وارد عمل شود، و از اینرو بنی صدر ارتش را با این دستور که "تا زمانی که من نگفتم پوتین‌ها پتان را در دنیا ورید" به کردستان فرستاد. این بار حکومت با فانتوم و خمپاره به جنگ خلق کردرفت. اینک دوماه از فرمان یورش مجدد به کردستان میگذرد، مبارزه در کردستان ادامه دارد، رژیم به حملات بسیار به روستاها و شهرهای کردستان، دست زده و تعدادی از شهرها را نیز در اشغال خود دارد، مردم در کنار سازمانهای سیاسی خود به مقاومت علیه این تهاجم دست میزنند. با گسترش مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، و نیز با آغاز فعالیت ضد انقلاب مغلوب در سراسر ایران و بخصوص در کردستان (پالیزبان، سالار جاف و...) برای سرکوب انقلاب و بازسازی هر چه بیشتر سازشکارانی چون حزب دمکرات و سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) اوضاع کردستان بسیار پیچیده تر گشته است.

نیروهای انقلابی و کمونیست در کردستان که در کنار خلق کرد و خلقهای آگاه سراسر ایران یکسال مبارزه رودرپا هیات حاکمه جمهوری اسلامی را از سر گذارنده اند امروزه وظیفه دشوار مبارزه با ضد انقلاب حاکم و حرکتهای اولیه ضد انقلاب شکست خورده را تا و ما به عهده دارند. مبارزه‌ای که از راه منفرد کردن و افشای سازشکاران و بسیج توده‌ها در اطراف نیروهای انقلابی و کمونیست میگذرد. مبارزه‌ای که علیه استقرار حکومت ضدکارگری و ضد مردمی مقاومت کرده و در کنار کارگران و زحمتکشان سراسر ایران تانابودی نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و تحقق حقوق خلق کرد و تمام خلقهای ایران ادامه خواهد یافت!

کنونی حاضر به مذاکره هستیم!" (ما و مذاکرات تا کید از متن اصلی است. آن بان ۵۸) تنها کسانی که نه از موضع خلق و انقلاب بلکه از موضع سازشکارانه حرکت میکردند میتوانستند تطق مرداد را فراموش کرده و مفتون نطق فریبکارانه آن بان ماه گردند! اما کمونیست‌ها هیچگاه به انقلاب پشت نمیکنند، هیچگاه توده‌ها را فریب نداده و به توده‌ها دروغ نخواهند گفت!

هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له)، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق شاخه کردستان و تحت ریاست شیخ عزالدین حسینی با انتشار یک قطع نامه آمادگی خود را برای مذاکره اعلام کرد اما مذاکره‌ای صورت نگرفت. هیات ویژه رژیم جمهوری اسلامی بیش از یک ساعت بای میز مذاکره حاضر نشد و با انواع دروغها، فریب‌ها و نیرنگها

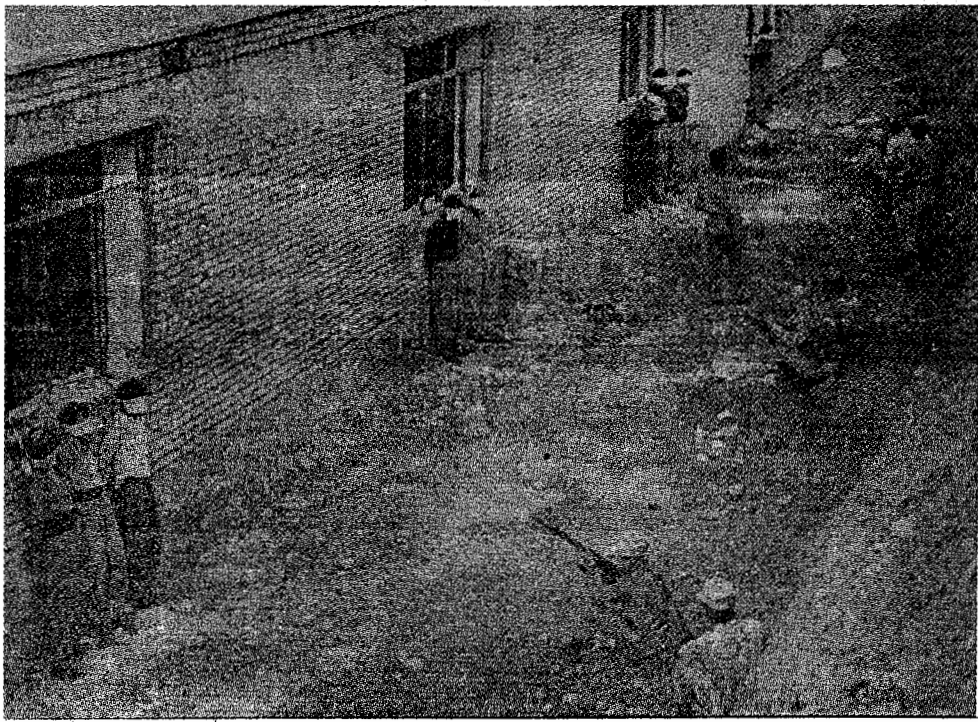


مذاکره را به تعویق انداخت و مذاکرات قطع شد. اما مقاومت دلاورانه خلق کرد در راههای شهری و روستا، در شهر و کوه، در کنار سزارب گرانبهای مبارزاتی برای خلق کرد و تمام خلقهای قهرمان ایران، ۶ ماه آزادی و دمکراسی را هر چند ناقص برای خلق کرده همراه آورد.

حکومت عقب نشست و مسئله‌ای بنام کردستان و امسکوت گذاشت تا یورش مجدد رژیم به کردستان در اول اردیبهشت امسال پاداران از کردستان اخراج شده و ارتش حق نداشته از پادگانها خارج شده و در شهرها حضور یابد!

خلق کرد ۶ ماه فارغ از یوغ ارگانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی، تحت حاکمیت و هدایت سازمانهای سیاسی خود به سر میبرد. در آنجا از دسته‌های حزب الهی و چماق بدست‌شان حکومت، از پاداران سرکوب‌گروا زبورش دائم به ارگانهای دموکراتیک خبری نبود، انتقال و انتشار نظرات سازمانهای سیاسی به آزادی صورت میگرفت، دهقانان بسا تشکیل شوراها و اتحادیه‌های خود، زمین‌های فئودال‌ها و زمینداران بزرگ را مصادره و در اختیار خود میگرفتند، شهر به توسط خود مردم و توسط شوراها و محلات اداره میشد و بنکها - این بازوان مسلخ خلق کرد که وظیفه دفاع از شهر را در زمان یورش آیینده رژیم بعهد داشتند - تشکیل شدند، خلق کرد در این

یادشهدای خلق کرد گرامی باد!



از لحظه فرمان آیت الله خمینی، مبنی بر یورش به شهرهای کردستان تا اشغال نظامی تمامی شهرها که بیش از یک هفته طول نکشید، مرتجعین بیش از دهها تن از بهترین فرزندان خلق کرد را اعدام کردند. اعدام این مبارزین درفاشیستی ترین شرایط و بلافاصله بعد از دستگیری صورت میگرفت. بسیاری از آنها مانند رفیق هرمزگرچی بیانی که در زندان دیزل آبا دکرمانشاه اعدام شدند، اصولاً محاکمه نشدند و محاکمه بسیاری از آنها توسط خلخال جلدبیش از یکی دوسا - عت طول نکشیده و بلافاصله آنها را به جوخه اعدام می سپردند. اشغال هر شهر مصداق میشد به ج دستگیری و اعدام مبارزترین و انقلابی بی ترین مردم. بسیاری از این انقلابیون را بعد از شکنجه های بسیار در بدترین شرایط به شهادت میرساندند. دوبرادر رفیق احسن و شهریارنا هیدرا که یکی از آنان به علت تیر خوردگی پایش حتی نمیتوانست بایستد، در فرودگاه سنندج به جوخه اعدام سپردند. رفیق جمیل یخچالی را که از فرط شکنجه بدنش راست نمیشد، به خاک و خون در غلط انداخته رفیق دکتر رشوند سرداری را که برای معالجه زخمیان درگیری های پاره روزه ۲۶ مرداد به آنجا رفته بود به اتهام واهی و به جرم آنکه زبان کردی نمیدانست ولی لباس کردی پوشیده بود روز ۳۰ تیر به شهادت رساندند. انقلابی ۱۴ ساله ای بنام آذرگشسب دارابی، در حین محاکمه به علت توهین خلخال، به صورت این جلاد افتاد آخته بود، بدون ادا - مه محاکمه و همانجا اعدام کردند.

شرح اعدامهای خلخال جلاد و رژیم جمهوری اسلامی در کردستان در سال گذشته، به راستی روی همه جلادان را در سرکوب توده ها سفید کرده و جنايتهاي هیتلر را بیاد می آورد.

در طول ۶ روز مجموعاً نزدیک به ۵۰ نفر به جوخه اعدام سپرده شدند که بسیاری از آنان از قدیمی ترین انقلابیون و مبارزین و بهترین فرزندان خلقهای ایران بودند:

در دیزل آبا دکرمانشاه:

عبدالله نوری، هوشنگ عزیزی، محمد بن محمدی، یدالله محمودی، حسین شیبانی، هرمزگرچی بیانی، مظفر فتاحی، صفر عزیزی، آذر نوش مهدویان، اصغر بهبود، محمد عزتی (روز ۲۸ مرداد)

در پاوه:

بهمن عزتی، عباس کریمی، عبدالله زارعی، حامد امینی، محمد حیدری، علی شهباز بهدین شیرین، حبیب الله چراغی، ابوالقاسم رشوند سرداری، فیض الله ضیائی (روز ۳۰ مرداد)

در کرمانشاه:

حاجی افرا سیاب، عبدالوهاب مبارک شاهی، عمادالدین ناصری، عبدالکریم کریمی، محمد علی نقشینه، و آذرگشسب دارابی ۱۴ ساله (بعداً اعدام شد)

در سنقر:

۹ نفر نظامی و ۱۵ غیر نظامی

نظامیان: احمد سعیدی، قادر بهمانا، خاطرخطیبی، محمد بابامیری، رسول امیه، محمد غفاری، ناصر حدادی، ناجی خورشید کریم رضایی.

غیر نظامیان: انوار ردلان، سیف الله فیض علی فخرایی، عبدالله بهرامی، سید حسام احمدی، مهرداد ویش نقره ای، کریم شیربانی، ابوبکر حمیدی، احمد مقدم، جلیل جمالزاد، یوسف کشی زاده.



ویژه نامه کردستان - به مناسبت سالگرد یورش وحشیانه ارتجاع و مقاومت دلاورانه خلق کرد



به یاد رفیق شهید

بهمن عزتی

معلم رزمنده زحمتکشان

مشت ها را با لا برد، مشت های جمعیت با لافرت و فریاد "درود بر عزتی" بخشداری را به لزره درآورد.
"...یکروز وقتی که از معلم شهید عزتی پرسیدم که چرا کردها اینهمه روی خودمختاری تکیه میکنند، او گفت که من تا آخری - قطره خونی که در بدن دارم برای خودمختاری خلق کردم جنگم چون اگر کردها خودمختار نباشند همیشه ظالمان و زورگویان به آنها زور میگویند و ستم میکنند."

ورفیق بهمن عزتی چنین کرد و به قولی که به شاگردانش داده بود وفا دار ماند. او که در تمام سالهای سیاه دیکتاتور شاه علیه رژیم شاه و نظام سرمایه داری وابسته مبارزه میکرد، با آغاز قیام فعالانه در آن شرکت نمود. معلم دلاورمدارس کامیاران بابرا انداختن اولین تظاهرات در کامیاران، بابرپایی میتینگ ها، بالاخره با تسخیر زندان دیزل آباد کرمانشاه و توزیع اسلحه بین مردم، آنچه را که گفته بود در عمل نیز به دانش آموزانش می آت و با شرکت فعالانه در مبارزات خلق کرد پس از قیام، تشکیل شورای کارگران بیکار، پی ریزی جمعیت راه رهایی زحمتکشان کامیاران و شرکت فعال در راهپیمایی مریوان نشان داد که فرزند راستین زحمتکشان است، و نشان داد که برای رهایی زحمتکشان از جان خود نیز دریغ نخواهد داشت. رفیق بهمن عزتی با زندگی سراسر مبارزه اش و با شهادت دلاورانه اش به شاگردانش و به تمام انقلابیون راه سرخ و پیروز مذهب طبقه کارگران نشان داد و از اینرو - وست که یکی از شاگردانش مینویسد:

"...او میدوایم بتوانم تمام خشم و کینه ام را جمع کرده و راه او را در پیش گیرم و انتقام خون عزتی ها، رشوند سرداری ها زندی ها، سلطانی ها، سلیمی ها، گرجی بیانیها و... را بگیرم."
"...نبودن شما برایمان خیلی مشکل است و با سختی تمام آنرا تحمل میکنیم. خیلی سخت است اما بگفته خودت باید بسا سختی مقابل شوم مبارزه کرد و این گفته را هیچوقت فراموش نخواهیم کرد که همیشه میگفتی "ما نند قصه ما هی سیاه کو چولو با شید و گفته هایش را به خاطر بسپارید" من میدانم که مرگ به آسانی نمیتواند به سراغم بیاید اما من تا زنده هستم هیچوقت به سراغش نمیروم و اگر هم آدم مهم نیست مهم آن است که مرگ یا زندگی من چه نقشی در زندگی دیگران داشته باشد" بله واقعا راست میگفتی و حالا شما صدهستی و ما هم شاگردانت هستیم، قسم میخورم که راهت را ادامه خواهیم داد...."

شاگردان رفیق بهمن عزتی، رفیق صمد، و تمام معلمین مبارز و انقلابی و کمونیست غنچه های خواهد بود که با خون بهمن عزتی ها، صدها پیروش یافته اند. و صفوف ارتش عظیم انقلاب پیروز مندا کارگران و زحمتکشان را در کنار دیگر انقلابیون و کمونیست ها فشرده تر خواهند ساخت.

در مریوان: (بین ۵ تا ۱۲ شهریور)

قاسمی، عراقی

در سنندج:

احسن ناهید، شهریار ناهید، ناصر سلیمی

(۲۹ مرداد)

جمیل یخچالی و...

یادشان گرامی و راهشان گلگون تر باد.

"با زهم گلی از میان گلها پرپر شده، ما این نمیتواند دلظا - لمان را خوشحال کند، چون این گل پرپر شده با گرده افشانی خود هزاران گل نوشگفته را بارو ساخته است..." (از انشاء یکی از شاگردان رفیق بهمن عزتی)

یکسال از اولین یورش وحشیانه و جنگ غارتگرانه ای که رژیم جمهوری اسلامی بر خلق کرد تحمیل کرده است میگذرد. اولین یورش سراسری رژیم به خلق کرد در تاریخ پستان سال گذشته با شهادت بهترین فرزندان خلق، با شهادت رزمندگان کمونیست که همواره در پیشاپیش خلقها و زحمتکشان مبارزه میکنند، همراه بود. رفیق بهمن نیز که به همراه یارو همزمش دکتور رشوند سرداری برای نجات مجروحین درگیری پاوه به آنجا میرفت در دروا نبردستگیر و به همراه ۹ انقلابی دیگر، به جوخه اعدام ضد انقلاب سپرده شد. در این جنگ تحمیلی و یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به خلق دلاور کرد ستارگان زیادی از آسمان پرستاره مبارزین قهرمان میهن ما به زمین کشیده شد و رفیق بهمن نیز ستاره ای از میان آنها بود. رفیق را از زبان شاگردانش بشناسیم:

"...کسی که همه او را از کوچک و بزرگ می شناختند، ما نند صمد به رنگی بودا و برای ما صمد بود. با قدمهای آهسته اش و بسا سخنان ملایم و شیرینش و با سیبیل های پرپشتش، و با آن همه مهر - بانی و محبتش بر استی صمدی دیگر بود، صمدی که یادش در دل کارگر کشاورز، دانش آموز و معلم و خلاصه در دل همه و همه زنده است...."
"...یکروز او را به یاد می آوردم، واسطه انقلاب بود که در بخشداری کامیاران جمع شده بودیم و آقای عزتی سخنرانسی میکرد. و سخنش را چنین شروع کرد "وای به روزی که مسلح شویم و با مشت هایمان دشمن را سرکوب کنیم" و بعد از اتمام سخنرانسی

بقیه از صفحه ۱

از کودتای...

و ضد خلقی بهترین وسیله است. در حقیقت دکتر مصدق که خود را به ارتش شاهنشاهی نیا زمند میدید، چنین میپنداشت که با انتقال فرماندهی ارتش به خود، آنرا بی خطر خواهد کرد. و همچنین با خودداری از مبارزه و مماشات کردن با حاکمان طبقه فاشیست شاه که فتوای آنها و سرما به داران وابسته به امپریالیسم بودند. تمام عوامل یک

رابطه ها را برقرار کردند و نقشه کودتا توسط ارتش ریخته شد. به این ترتیب صبح ۲۸ مرداد کودتا آغاز شد. او با شان و چاقو کشان حرفه ای به خیابانها ریختند و رئیس شهر با نی وقت، با کامیونهای شهر با نی، شاه پرستان مزدور را به مرکز شهر آورد. حدود ظهر نیروهای تیپ زرهی ارتش، مرکز را دیو و آشغال کردند و در آدیو بانک شوم "زنده باد شاه..." را سرداد. از این به بعد هرگونه مقاومت و پراکنده سرکوب شد. کودتا چنان در مراکز حساس مستقر گردید و حکومت مصدق سقوط کرد و خود مصدق نیز توسط ارتشیان بازداشت شد. در حالیکه از مدتتها

۲۸ مرداد ۳۲۵۰ نشان داد هر ارتش ضد خلقی همواره برای هرگونه کودتا و اقدام ضد انقلابی آماده گی دارد و سخنان رفیق شهید خسرو روزبه را که میگوید "ارتشی که قانون اطاعت کورکورانه در آن حاکم باشد فقط به سود امپریالیسم و ارتجاع، به سود سرمایه داران و بزرگواران و زحمتکشان عمل خواهد کرد"، ثابت کرد.



کودتای امپریالیستی را برای دشمنان فراهم ساخت. طبقات ارتجاعی با برپا کردن احزابی همچون سومکا و آریا و ذوالفقار دست به فعالیت زدند و مصدق تحت لوای حمایت از دموکراسی، آزادی آنان را تأمین کرد!

چنین بود که نطفه های کودتا بسته شد و طرفداران شاه آستین ها را بالا زدند. در مرداد ماه ۱۳۳۲، اشرف پهلوی خواهر شاه خائن که از طرف دولت مصدق تبعید شده بود، در پاریس با "آلن دالس" و "شوآرتسکف" نمایندگان امپریالیسم آمریکا جلسه تشکیل دادند و زمینه را برای سرنگونی حکومت مصدق بررسی کردند. روز ۲۵ مرداد، شاه خائن حکم برکناری مصدق را صادر کرد و آنرا توسط سرهنگ نصیری که بعدها به ریاست ساواک رسید و سرانجام معدوم شد، برای مصدق فرستاد. بلا دستگیری نصیری، این توطئه امپریالیستها برای سقوط حکومت با شکست مواجه شد. اما توطئه ها با شدت ادامه یافت.

"حزب توده" که مدتتها بود شعار میداد "کودتا را به ضد کودتا تبدیل خواهیم کرد" عمل هیچ کوششی جدی برای آمادگی اعضا و هواداران خود انجام نداد. حزب توده مردم را مسلح نکرد و آماده مقابله با کودتا نشد. آنها به جای آنکه منتظر مصدق ننشسته و خود را سادست به سیج انقلابی بنهند مردم را بدون راهنمایی و آمادگی رها کردند. آنها در روز ۲۶ مرداد پس از آنکه درگیری میان حزب توده و پان ایرانیستها بوجود آمد، با دستور مصدق که گفته بود هر نوع تظاهرات قدغن است، موافقت کردند. و به این ترتیب بارها کردن مردم و گذرین نهادن به ترديد و دودلی های مصدق، علی رغم آنکه مدتتها بود شعار میدادند و ادعا میکردند که راه را برای کودتا چنان باز کردند. او با شان و چاقو کشان در خیابانها راه افتادند. و با شعار "زنده باد شاه" شهر را قرق کردند. در این شرایط حزب توده تلفاتی با مصدق تمام میگردید و از او میخواست اهدات تکلیف آنها را معلوم کند. "مصدق که همواره دچار تزلزل و تردید و عقب نشینی بود جواب میداد: "هرکاری میتوانید بکنید از دست من کاری ساخته نیست!"

در چنین شرایطی توطئه گران، یعنی شاه و دربار، سرمایه داران وابسته و فتوای الهیه که کمک امپریالیسم آمریکا و انگلیس کاملاً برای کودتا آماده شدند، با سوسان

گرفتار رژیم جنایت کار شاه خائن گردید. حزب توده حتی کارهای مسلح خود را نیز وادار عمل نکرد و از سازمان افسران حزب توده نخواست که اقدامی بکنند. آنها در حاسنترین لحظات به مردم خیانت کردند و در مقابل کودتای ضد انقلابی ۲۸ مرداد نه تنها مقاومت نکردند بلکه راه فرار را برگزیدند. کودتای ۲۸ مرداد آغاز یک دوران سیاه حاکمیت شاه و دربار را وابسته به امپریالیسم و غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان و منابع زیرزمینی ایران توسط امپریالیست ها بود. ایران به میدانی برای چکمه پوشان امپریالیست و مرتجعین داخلی تبدیل شد و هزاران هزار فرزندانشان دلی خلق ایران، کارگران و زحمتکشان در زیر یوغ ارتش و سرمایه داران امپریالیسم و ارتجاع به خاک و خون افتادند. ۲۸ مرداد ۳۲۵۰ نشان داد هر ارتشی ضد خلقی همواره برای هرگونه کودتا و اقدام ضد انقلابی آماده گی دارد و سخنان رفیق شهید خسرو روزبه را که میگوید "ارتشی که قانون اطاعت کورکورانه در آن حاکم باشد فقط به سود امپریالیسم و ارتجاع، به سود سرمایه داران و بزرگواران و زحمتکشان عمل خواهد کرد"، ثابت کرد. کودتای ۲۸ مرداد نشان داد تنها با ارتش انقلابی و با نیروی مسلح کارگران و زحمتکشان میتوان جلوی هرگونه توطئه امپریالیسم و سرمایه داران و عوامل وابسته به آنها را گرفت. بعلاوه کودتای ضد انقلابی ۲۸ مرداد ما هیت خائنان، فرصت طلبان، کمیته مرکزی حزب توده را نیز افشا کرد و دیدیم که چگونه به جای تبدیل کودتا به ضد کودتا راه فرار را برگزیدند و با تن دادن به قطع تظاهرات خیابانی و کسب تکلیف از مصدق، در واقع راه را برای ضد انقلاب باز کردند.

* امروز شاه به درک واصل شده است! و حکومت سلطنتی به زباله دان تاریخ سپرده شده است اما جانشینان آن حکومت به سرعت مشغول بازسازی نظام فرسوده سرمایه داری وابسته هستند. حکومت جدید!

رژیم جمهوری اسلامی که از مسلح بودن توده ها و سازمانهای انقلابی وحشت دارد، مجبور است به ارتش ضد مردمی بازمانده از رژیم شاه و پاسداران خود متکی باشد. رژیم جمهوری اسلامی اگر چه از طرف نیروهای ضد انقلاب و عوامل وابسته به امپریالیسم نظیر بختیار مورد تهدید قرار دارد، ولی همه توان و قدرت خود را در جهت سرکوب کارگران و زحمتکشان و سازمانهای انقلابی و کمونیستی بکار میگیرد. و چنین است که سقوط خود را نزدیک می سازد.

بخشی از سرمایه داران وابسته و ارتش شاه را حفظ کرد. اما مثال مدنی ها، امیرانتظام ها، یزدیه را در حکومت جای داد و شادمهرها، فلاخی ها، شاکرها و باقری ها را در اسارت قرار داد. سرمایه زانی که حاضر نیستند به مردم تیراندازی کنند اعدام میشوند و سرمایه داران وابسته، به استثنای کارگران و زحمتکشان مشغول شده اند.

حکومت او با شان و چاقو کشان را بزرگواران "حزب الله" به سر وقت نیروهای انقلابی میفرستد. فعالیت سیاسی را ممنوع میکنند در عوض ساواکیها عفو میشوند. حزب واحد، حزب جمهوری اسلامی قدرت را قبضه کرده است. سرمایه داران، طبقه بورژوازی ایران که متحد داخلی امپریالیسم است، بقیه از صفحه ۵

قبل مردم برای هرگونه مقابله با کودتا چنان آمادگی ذهنی داشتند. نه تنها مصدق بلکه رهبران خائن و فرصت طلب حزب توده نیز آنها را به اقدام انقلابی راهنمایی نکردند.

آنها اگر به قدرت عظیم کارگران و زحمتکشان ایران کمترین اعتمادی داشتند، به سهولت میتوانستند با مسلح کردن مردم، هر کودتایی را در نطفه خفه کنند. حزب توده و مصدق که همواره میخواستند از طریق مماشات و شیوه پارلمانی با طبقات ارتجاعی، خود را در حکومت شریک نمایند و از قدرت کارگران و زحمتکشان بترسیدند با کنار گذاشتن و مسلح نکردن توده ها در این مبارزه مرگ و زندگی، مملکت و توده های مردم را در برابر پرورش وحشیانه ارتجاع و امپریالیسم بی دفاع گذاشتند. و چنان شد که دیدیم. ۲۵ سال خلق ما

مقاومت کارکنان پتروشیمی شیراز در مقابل پاکسازی ارتجاع!

بطوریکه کمیته خودمجبور به بازگرداندن کارگرانی شده و او را به سرکار برمیگرداند. شیوه و عملکرد کمیته پاکسازی و بخصوص ماهیت اعضای کمیته و سوابق "درخشان" آنها چشم و نفرت همگان، حتی کارگران ناآگاه را نیز برانگیخته است. موج اعتراض بصورت های مختلف سرتا سرجمع را فراگرفته است. و تعداد بسیاری از کارگران متنی را که کارگران مبارز علیه کمیته پاکسازی تهیه کرده بودند تا کید و ماضی کرده اند. در تمام این مدت نشریه کارگر از طرف کارگران رزمنده پتروشیمی شیراز منتشر میشود و تیراژی ده برا برگزیده چاپ شده و استقبال از آن چندین برابر گذشته است. کارگران به یکدیگر میگویند: "صدسال دیگر نمی توانیم هیچ آنها را که نشریه پخش میکنند بگیرند." □

به دنبال با لگرفتن موج "پاکسازی" رژیم یک کارگری که رزمندگان رزمندگان شیمیایی شیراز، را به اتهام تکثیر و پخش نشریه کارگری معلق و محاکمه و پای آنها را قطع میکنند. با وجود آنکه این دو نفر هیچ نقشی در تکثیر و پخش نشریه "کارگر" نداشته و بعلت عملکردهای نابجای خود در گذشته چندان هم مورد حمایت کارگران نبودند، اما با اخراج آنها موج ناراضی و اعتراض با لایمیکرد. کمیته پاکسازی که انتظارش غیر از این بود، و فکر میکرد با این عمل دستش برای حرکت های بعدی بازتر میشود عملاً در بن بست قرار گرفت و از ادامه فعالیت عاجز می ماند. کارگران مبارز دست به افشاگری علیه کمیته پاکسازی زده و تمام حرکت های ضد انقلابی آنها را که تحت اتهام پخش نشریه "کارگر" صورت میگرفته افشا میکنند.



مبارزات کارگران در مقابل

نوطه لغو سود ویژه!

در کارخانه صنعتی به شهر:

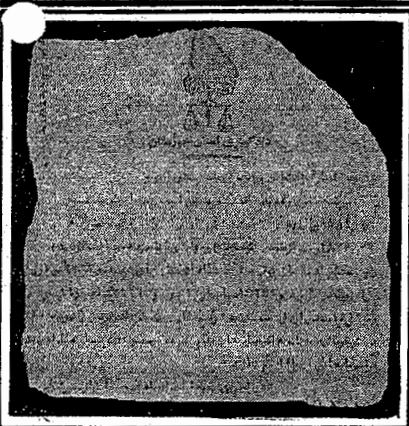
در هفته اول مرداد ماه کارگران کارخانه صنعتی به شهر به عنوان اعتراض به عدم پرداخت سود ویژه ۴ ماهه کارخانه دست از کار کشیدند و با رفتن به اتاق مدیرعامل خواهان پرداخت آن شدند. مدیرعامل قول داد با مراجعه به وزارت کار دستور پرداخت سود ویژه را بگیرد و کارگران وی را تهدید کردند که در صورت عدم پرداخت دست به اعتصاب میزنند.

در این مدت انجمن اسلامی به سمپاشی دست زده و کارگران را به مصروشکیابی دعوت میکرد، تا اینکه شورای انقلاب قانون لغو سود ویژه را اعلام کرد. این خبر خشم کارگران را برانگیخت بطوری که کارگران در مقابل دفتر کار مدیرعامل جمع شده و اعتراض میکنند. در حال حاضر کارگران برای مبارزه حول این خواست کاملاً آماده اند و مدیرعامل را با این تهدید که دست از کار خواهد بردارد و وزارت کار کرده اند.

بقیه در صفحه ۱۱

دادگاه انقلاب خوزستان از عناصر ضد کارگر حمایت می کند!

عباسدار مسلح صبح روز ششم مرداد به محوطه شرکت حمایت از نمایندگان خودسوار حفاری "ریدینگ اند بیستیس" ماشین های شرکت شده و بدنبال اهواز میریزند و نمایندگان آنها میروند. در دادگاه به شورای کارکنان را دستگیر و نمایندگان میگویند که باید به دادگاه انقلاب میبرند.



رژیم شاه خائن فعلاً لانه شرکت داشتند. کارگران مبارز اخراجی کارگرانی هستند که سالها تحت فشار و ستم استثمای کارگران قرار داشته و برای رهایی کارگران و سایر زحمتکشان مبارزه نموده اند. مسلم است که وجود این گونه کارگران آگاه و انقلابی سد راه سرمایه داران استثمای رگرو و سدکاری. شورای فدکا رگري چیت ممتاز که به کار مبارز در جهت خواسته های کارگران، همه کوشش خود را صرف جاسوسی و شناسایی کارگران مبارز و همکاران با توطئه های ضد کارگری کارفرمایان و انجمن اسلامی میکند. مسلم است که باید از وجود این کارگران انقلابی نگه داری باشد. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی هر روز دست به اقدام ضد کارگری جدید میزند، در شرایطی که با اعمالی نظیر لغو سود ویژه میخواهد هر چه بیشتر کارگران را در فقر و محرومیت نگه دارد، وجود کارگران مبارز و آگاه در کارخانه به ضرر رژیم و تمام می مفت خواران ضد کارگر است. برای سرکوب همه کارکنان و خفه کردن صدای اعتراض آنها رژیم جمهوری اسلامی و مزدورانش ابتدا باید کارگران آگاه و انقلابی را از کارخانه اخراج کنند و توطئه مشترک شورای اسلامی چیت ممتاز، کارفرمایان و انجمن اسلامی برای اخراج کارگران مبارز و آگاه به همین منظور میباید.

تنها اتحاد مبارز به یکپارچه کارگر-ان و حمایت فعال برای جلوگیری از توطئه اخراج کارگران مبارز و آگاه میتوانست جلوی تهاجم همه جانبه رژیم و اعمال آنها را بگیرد. □

توطئه اخراج کارگران مبارز در چیت ممتاز

از مدتی پیش انجمن های اسلامی و مدیریت کارخانه چیت ممتاز به تهاجم افتاده اند تا کارگران مبارز را به اتهام پخش و نشر "نسخه مبارز" و "پیک نساج" دستگیر و از کارخانه اخراج کنند. عوام مسلح جاسوس کارفرمایان و اعضای انجمن اسلامی در این راه به توطئه های دست زده اند. اعضای انجمن اسلامی چیت ممتاز که اکثر آنها عناصر خراج کارخانه و از دانشجویان وابسته به حزب جمهوری اسلامی هستند، اینک بعد از "انقلاب فرهنگی" در دانشگاه ها و سرکوب و کشتار دانشجویان در فکر سرکوب مبارزات کارگران و اخراج کارگران مبارز می باشند.

در هفته اول مرداد کارفرمایان دو کارگر مبارز را به بهانه بحث زیاد (!!) در کارخانه اخراج کرد. او اینک خبر رسیده است که عوام کارفرمایان جاسوسی در میان تعدادی زیادی از کارگران مبارز، ۱۰ تن از آنان را اخراج و شایع کرده اند که لیست ۹۵ نفر از کارگران را برای بیرون کردن آنها از کارخانه تهیه کرده اند.

شورای ضد کارگری و دست نشانده کارفرمایان و مدیریت کارخانه برای توجیه این اعمال ضد کارگری خود همچون اربابان نشان در حکومت با وابسته قلمداد کردن انقلابیون و مبارزین به امپریالیسم و کودتا، به سرکوب و حشاشنه آنها دست میزنند. طی اطلاعیه ای به کارگران مبارز اخراجی را با کودتا مربوط کرده اند. کارگران اخراجی همگی از عناصر آگاه و مبارز هستند که در مبارزات خلق ایران بر علیه



(*) - روز ۴ مرداد در یکی از کارگاههای پیشروی معدن زغال سنگ سگ رود نجاتی رخ میدهد که بر اثر آن ۵ کارگر کشته شد مجروح شده و دچار سوختگی میگردند. مجروحین را ابتدا به قزوین میبرند که علت عدم پذیرش بیماران آنها این شهر به تهران منتقل میگردد. در تهران یکی از کارگران به نام سبزی دینی "چشم از جهان میبندد و بقیه که به شدت مجروح شده اند در بیمارستان بهر میبرند. علت حادثه نبودن وسایل و قطعاً تیدیکی، فرسودگی دستگاهها و نبود وسایل ایمنی بوده است. علاوه بر این معدن فاقد مبلانس است و مجروحین این معدن که هر لحظه امکان وقوع حادثه در آن وجود دارد با دشواریهای شخصی و اتوبوس به شهر قزوین منتقل گردند.

(*) - روز چهارشنبه ۸ مرداد
عده‌ای از کارگران مبارزین
مدبه همراه عده‌ای از کارگران
کوره‌پزخانه ممتاز مل برای
اعتراض به اخراج کارگران به

دادگاه انقلاب آمل مراجعه کردند و در آنجا متحصن شدند. این تحصن ۴ ساعت بطول آنجا میدوکارگران کهدر مقابل این اعمال وحشیانه سرمایه داران تضمین قانونی میخواهند، بعد از دادن یک مهلت ۵ روزه به رئیس دادگاه انقلاب محل را ترک کردند.

(*) - در پی دستگیری
عده‌ای از انقلابیون و هوادار-
ان سازمان‌های انقلابی
و کمونیستی و برقراری جو
اختناق در آمل، مادران زند
انبان سیاسی به منظور اعتر-
اض به عمل ارتجاع، به سه
راهبیمایی دست زدند.

(*) — نیمه شب چهار رشنیه
۸ مرداد پاداران به تکیه
"قادی محله" درآمل که مقرر
هواداران مجاهدین خلق میباد
شد محله کردند. یکی از محاسن
هدین بوسیله بلندگومرم محل
را مطلع میکنند و با مقامات
شجاعانه مردم محل و بویژه
زنان دلیرانجا پاداران
محبور به ترک محل میشوند.

*) - بعد از آنکه روزنا -
مه ها اسامی ساواکی های خو -
زستان را اعلام کردند یکی از
ساواکیهای مزدور محترم

صایع فولاد اوزار از مجتمع فراگرد، زیلایی دبیران و شورای اسلامی کارخانه ویکی از عناصردکارگرمجمع بود. همواره وظیفه جلوگیری از مبارزات کارگران و مبارز دوری کارفرما را به خوبی انجام میداد. او که تا کنون خدمات بسیاری برای رژیم جمهوری اسلامی انجام داده، چندین بار از طرف کارگران آگاه و مبارزان افشاء شده بود.

(*) - در سپاه پاسداران
مسجد سلیمان کمیته‌ای به نام
کمیته ضد گروه‌ها و سازمان‌های
سیاسی تشکیل شده است که
مستقل بوده و اعلامیه‌های زیبا -
دی پخش کرده است .

ی
 (*) روز سه‌شنبه ۷ مرداد در قق
 سازمان‌های آزادی طبقه
 کارگر حوزه گیلان و رفقای
 وحدت انقلابی برای آزادی طبقه
 کارگر "در محله کسب و واقع در
 بلوار رشت - تهران میتینگ
 برگزار کردند. در این میتینگ
 که حدود ۵ دقیقه بطول انجام
 یکی از رفقای سازمان در مورد
 گران، مسکن و مشکلات مردم
 قبل و بعد از قیام، نقش رژیم

جمهوری اسلامی و راه حل این مشکلات صحبت کرد این میتینگ مورد استقبال مردم محل قرار گرفت!

(*) - روزاول مرداد ۵ - ۶
نفرزقا بدارمنسلح ازسوی کميته
به محل امدادپزشکی مجاهدیندر
تبریزرفته وبعد از شکستن شیشه
های ساختمانها مکانات پزشکی
وداروهای بیمارستان را به
سرقت میبرد. بعد از این عمل
فاشیستی ۴۶ تن از پزشکان
تبریزی اطلاعیه ای این عمل
را محکوم کرده اند.

(*) - روز جمعه ۳ مرداد دعد
ه ای از مردم ناآگاه باطل
به تحریک امام جمعه به دکه ها حمله
کردند که در بعضی نقاط با مقا
ومت دکه داران مواجه شدند. این
افراد به رهبری نیروهای ار
تجاعی و مزدوران حکومتی
تمام دکه ها را واژگون کرده
و حتی اجازة خالی کردن وسایل
و اجناسشان را نیز به آنها نمیداد
دند. در بعضی از دکه ها دکه دار
ان مقاومت کرده و عنا صرنا آگاه
و متعصب را به عقب می رانندند
ک - ت -
پاسداران و فاعلانها ، با زهم دکه
شان مورد هجوم قرار می گرفتند.
در این جریان تعدادی از دکه
داران را دستگیر کرده اند . □

کمکهای مالی دریافت شده

کمک های مالی شما
نقش مهمی در ادامه کاری و
گسترش فعالیت ما و اهداف
انقلابی سازمان ما دارد. این
کمکها را بعنوان یک وظیفه
انقلابی تلقی کنید.

برای اطمینان شما از دریافت کمک های مالی استان به سازمان یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده و به همراه حرف اول نام خود به دریافت کنندۀ کمک مالی بدهید ما این شماره را به مبلغی که پرداخته اید اضافه و در نشریه درج میکنیم

الف	س	ن
۱۰۰۲۹	۵۰۴	۲۰۰۰۱
۵۰۲۲	۲۲۰	۲۰۰۰۷
۵۰۲		۲۰۰۰۷
۵۰۲۵	ش	۲۱۵۵
۵۰۹۵	۲۰۰۲۱	ه
	۲۰۷۸	۲۱۲۵
		۲۵۰۲۵
ب	ف	
۱۰۰۲۴		
۵۰۶۱	۵۰۵۲	خوزستان
۵۰۹۰	۵۰۵۳	
	۵۰۵۵۰	م - ۵۰۵۵۵
پ	۶۷۲	
۲۰۱۲۰	۱۰۱۰۴	بدون حیثیات نام
		۱۱۶۲
		۱۵۰۲۰
ج	ق - ۱۵۷۹	۲۲۰۰۴۴
۲۶۰۰۰		
ح	ک - ۲۰۰۶۵	
۵۰۲۲		کرمانشاه
۲۰۶۵	ع	
	۲۱۰	
خ	۱۵۲۰	ب - ۲۰۵۵
۵۰۰۱		۱۵۴۲ - ج
۲۵۰۱	و - ۱۰۷۰	۲۰۰۱ - ح
		۱۰۳۶ - د
۵۰۵۷	ل - ۳۹۰۰۲	ف - ۵۰۶۴
		غ - ۱۰۰۰۶
ز - ۵۰۶۲	م	۵۲۸ - م
د - ۷۰۰۱۰	۱۰۲۹	
ز - ۲۰۱۱	۲۰۲۲	
	۲۰۲۲	

مبارزات کارگران...
در کارخانه زاگرس

به دنبال لغو سودویژه کارگران زاگرس که سودویژه را پانزده ماه می‌گرفتند، نمایندگان خود را بدفتر مرکزی کارخانه برستند و سودویژه خود را طلب می‌کنند. مقامات کارخانه از اخت سودویژه خودداری می‌کنند و می‌گویند اگر هم به پرداخت سود و تضمین بدهید که اگر دولت خواست این مبلغ پرداخت نکند ما آن را برگردانید (یعنی هیئت مدیره بعد از آن از حقوق کارگران کسر نماید) نمایندگان قبول نکرده به کارخانه می‌روند و موضوع را به کارگران می‌گویند. قرار است نمایندگان دوباره به دفتر مرکزی بدهند جواب بگیرند.

در کارخانه زامباد

در کارخانه از میانداو تحت فشار کارگران وابسته به حزب
جمهوری اسلامی به شورا مجمع عمومی برگزار میشود در این مجمع
عناصرا لانژ کارخانه بعد از تأیید همه ارگانهای دولتی لغو
قانون سودویژه را محکوم میکنند. موز کارگران مبارز در این
مجمع افشای سرمایه داری، توضیح سودویژه و طرح پیشنهاد
افزایش مبلغ، به حق بجای سودویژه بود.

درکارخانه ایران ناسیونال

در کاخانه ایران ناسیونال کارگران علیه لغو سود و یژه
در داخل کاخانه راه پیدا کردند.

بقیه از صفحه ۲

کارگران...

آن طرح و تصمیم باشند، مورد بررسی قرار دهند که در مورد لغو سود و یژه این کار انجام نشده است. (نقدی پیرامون مصاحبه وزیر کار روزنامه جمهوری اسلامی ۲۰ مرداد)

"شورای انقلاب باید به این نکته توجه میکرد که این مصوبه بدون تشریح قبلی آن که لااقل میتواند دلایل کار مسئولین را روشن سازد، میتواند باعث تحریک و بوجود آوردن یک جو متشنج شود" (روزنامه جمهوری اسلامی ۹ مرداد)

این مصوبه را لغو کنند "حزب که رهبران آن عملاً در جریان تصویب این قانون بوده اند تا دو روز بعد از اعلام رسمی آن جیک نمیزدند ولی وقتی با موج اعتراضی و مبارزات کارگران در سراسر ایران روبرو میشوند، برای جلوگیری از گسترش مبارزات کارگران و خاموش ساختن مبارزات آنها شروع به مخالفت خوانی میکنند و از بنی صدر میخواهند که با "توجه به این شرایط" قانون فوق را لغو کنند!!

نگرانی حزب جمهوری اسلامی از مبارزات کارگران وقتی عظیم تر میشود که با این اقدام ماهیت سرمایه دارانه و ضد

حزب جمهوری اسلامی و رهبری و قانون هماهنگی شوراهای اسلامی میخواهند با این مخالفت کردنها بر موج اعتراضات و مبارزات کارگران سوار شوند، و به این مبارزات و اعتراضات مهار زده و در پیج و خم راههای قانونی و چشم دوختن به مجلس و رئیس جمهوری سرگردان نشان سازند، و در جهت مقاصد کارگری خود بکارش بپردازند.

کارگری رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران آن بیشتر روشن میگردد، و کارگران متوجه میشوند که حرفها و نظرات کمونیستها که در یکسالونیم گذشته مرتب فریاد میزدند این رژیم و دولت حامی سرمایه داری است چقدر درست و صریح بوده است. بلکه حزب جمهوری اسلامی از آن ناراحت است که این تصمیم گیری شورای انقلاب حقانیت کمونیستها را هم ثابت کند.

پنجم اینکه: این حزب و تشکیلات کارگری وابسته به آن تنها با لغو سود و یژه در کارخانه های بخش خصوصی اظهار مخالفت میکنند ولی با لغو سود و یژه در کارخانه ها و صنایع دولتی آشکارا موافقت خود را اعلام کرده اند. حزب و تشکیلات با صلاح کارگری وابسته به آن میگویند:

"ما می پذیریم که لغو قانون سهام گردن کارگران در بخش صنایع دولتی به سود مردم است اما عمده اشکال ما به این مصوبه این است که شما باعث معاف شدن کارفرمایان خصوصی، از پرداخت این پول شده اید" (مقاله مجادله با مصاحبه - روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۹ مرداد)

آری، اینجا دیگر دم خروس از لای "عباسی" حزب بیرون میزند و همدلی اش با جناح دیگر حکومت بر ملا میگردد. حزب میگوید: لغو قانون سهام کردن کارگران در بخش صنایع دولتی بسود مردم است و این درست همان دلیلی است که وزیر کار هم برای توجیه

می بینیم که مخالفت و ناراحتی حزب جمهوری و قانون وابسته به آن به این خاطر است که چرا شورای انقلاب و وزارت کار قبلاً به اندازه کافی روی این مسئله تبلیغ نکرده اند، چرا با تبلیغات عوام فریبانه کارگران را آماده پذیرش این اقدام ضد کارگری ننموده اند، آنها ناراحت این هستند که چرا شورای انقلاب و وزارت کار این چنین روشن و آشکارا ماهیت ضد کارگری خود را رومیکنند و نشان میدهند.

چرا که این حزب طی فعالیت سراسری ضد انقلابی خود به خوبی به نقش تبلیغات فریب کارانه پی برده است. چرا که این حزب در گذشته قبل از دست زدن به هر اقدام ضد انقلابی نظیر حمله به کردستان، کشتار در دانشگاه و سرکوب آزادیها، با تبلیغات زهرآگین و ضد انقلابی خود توانسته بود، ذهن توده ها را منحرف ساخته و در جهت منافعی خود و کل هیات حاکمه بکار گیرد.

چهارم اینکه: حزب جمهوری اسلامی و قانون وابسته به آن از وحشت مبارزات کارگران خود را مخالف لغو سود و یژه قلمداد میکنند.

قانون هماهنگی شورای اسلامی در اطلاعیه خود میگوید: "با این مصوبه چندین کارخانه دست به اعتصاب زده و اغلب بشکلی با آن ابراز مخالفت نمودند، با توجه به این شرایط از ارگانهای دولتی و آقای رئیس جمهور میخواهیم هر چه زودتر

این اقدام ننگین حکومت از آن استفاده میکند.

وزیر کار میگوید: "جمعاً ۸۰٪ صنایع ملی شده و مدیریت آنها را دولت به عهده دارد پس بیان این مطلب که لغو این قانون به نفع سرمایه دار است، نادرست می باشد" (مصاحبه وزیر کار - کیهان سه شنبه ۱۴ مرداد)

در اینجا وزیر کار بعنوان نماینده یک جناح حکومت، و حزب جمهوری اسلامی به عنوان جناح دیگر، هر دو یک حرف میزنند و در حقیقت هر دو میکوشند تا ماهیت استثمارگرانه و سرمایه دارانه رژیم را بپوشانند آنها به کارگران میگویند کارگران عزیز! اگر چه با لغو سود و یژه در یافتی شما کم میشود (و در مقابل هزینه های سرسام آورزندگی کم تران میشکند) اما ناراحت نباشید این مبلغ که از شما کم میشود به جیب دولت که ۸۰٪ صنایع را در دست دارد میرود!!

در حقیقت اگر دولت، دولت کارگران و زحمتکش نبود و حفظ منافع کارگران را وظیفه خود میداشت، این حرف میتوانست درست باشد، چرا که چنین دولتی با مصادره کارخانه ها دست سرمایه داران مفتخور را قطع میکرد و برای برطرف کردن نیازها و خواسته های مادی و معنوی کارگران، از هیچ اقدامی فروگذار نمیکرد.

در حالیکه در ۲۰ ماه گذشته، تمام اعمال سیاست های رژیم بر ضد کارگران و زحمتکشان بوده است، آنها نه فقط کمترین دردی از طبقه کارگر ندانند بلکه گران و وفقدان مسکن و بیکاری، لطمات جبران ناپذیری نیز به آنها وارد کرده است رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم ضد کارگری است، دولت جمهوری اسلامی بعنوان مالک بیش از ۸۰٪ کارخانه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی، بزرگترین سرمایه دار ایران و بزرگترین چپاول گرواستثمارگر در سترنج کارگران است. در ۲۰ ماه گذشته دولت جمهوری اسلامی به عنوان حافظ منافع طبقه سرمایه دار، بیشترین فشارها را بر کارگران تحمیل کرده است. منافع کارگران و دولت نه تنها یکی نیستند، بلکه کاملاً ضد هم هستند.

در نتیجه برای کارگران چه فرقی میکند که دسترنجان بوسیله سرمایه دار خصوصی غارت شود یا کارفرمای دولتی؟ برای

کارگران...

کارگران چه فرقی میکنند که دسترنجشان صرف پرداخت حقوق های بیست، سی هزار تومانی هیئت مدیره دولتی شود یا خصوصی؟ پولی که به جیب دولت میرود، آیا صرف مسکن برای کارگران، بهداشت برای کارگران، امنیت اجتماعی برای کارگران و تامین زندگی ارزان برای آنها میشود یا بجیب پاسدارانی ریخته میشود که همه جا برای سرکوب کارگران و زحمتکشان آمده اند؟

آیا جز اینست که نتیجه دسترنج کارگران در کارخانجات دولتی صرف حقوق ارتشیان و خرید تجهیزات نظامی میشود که کشتار خلق دلاور کرد و خراب کردن خانه و کاشانه آنها بپردازند؟ صرف پرداختن حقوق به افراد ضحاکا رگری چون وزیرکار و تمام تشکیلات عریض و طویل اومیشود؟ علاوه بر اینها، پولی که به جیب دولت میرود، صرف ساواک جمهوری اسلامی، زندانها، رادیو تلویزیون، مطبوعات، تبلیغات انجمن های اسلامی و غیره میشود که تمام کاری جز فریب و سرکوب کارگران و زحمتکشان میهن ما ندارند.

آری، دولت ضد کارگر، اگر تمام کارخانجات را هم دولتی کند، باز هم قادر به بین منافع کارگران و زحمتکشان نیست.

چنین است که حزب جمهوری اسلامی، هم صدا با وزیرکار، به فریب کارگران دست میزند و مقاصد واقعی خود را پنهان میکند. حزب جمهوری اسلامی، بالغ و سودویژه ۸۰٪ از کارگران ایران موافق است و فقط ۲۰٪ آنها را برای فریب توده ها - با ۲۰٪ شان مخالفت میکند!

حزب جمهوری اسلامی در واقع بالغ و سودویژه در بخش صنایع خصوصی هم مخالفتی ندارد. برای هر کارگری که یکی دو سال سابقه کار داشته و اندک آگاهی از جامعه سرمایه داری داشته باشد مثل روز روشن است که اضافه دستمزد و مزایایی که یک بخش از کارگران بگیرند سرعت موجب میشود که کارگران سایر بخشها و کارخانه ها هم برای گرفتن آن اضافه دستمزد و مزایا مبارزه

حمله وحشیانه پاسداران به خوابگاه دانشجویی روی ساواک را سفید کرد!

در حالیکه حدود دو هفته از حمله پاسداران به خوابگاه دانشجویان تکنیکوم نفیسی که طی آن پاسداران با ساواکی بی نظیری دانشجویان را از خوابگاه اخراج کرده و اناشیه آنها را به خیا با آنها ریخته اند میگذرد، حمله ددمنشان به دیگری به خوابگاه دانشجویان دانشکده پلی تکنیک، مبارزات دانشجویان را بر علیه این مزدوران مسلح رژیم، اوج تازه ای بخشید، هفته پیش، دوشنبه ۲۰ مرداد، پاسی از شب گذشته، ناگهان سکوت خوابگاه دانشجویان با عریده های پاسداران مسلحی که با حالتی سبعا نه در راهروها میدویدند، شکسته شد. پاسداران هر که را که در راهرو می دیدند به باد کتک می گرفتند و هردی را بسته می یافتند با لگد و قنطاق تفنگ و عریده می شکستند و به داخل اتاقها میریختند. آنها تعداد زیادی از دانشجویان را مضروب کرده و با وحشیگری غیر قابل تصویری اناشیه محقر دانشجویان را بهم ریخته و کتابها و نشریاتشان را به غارت بردند. این ماجرا تا نیمه های شب ادامه داشت و تعدادی از دانشجویان بشدت مضروب شده و پرنده گوش یکی از دانشجویان پاره شده و عده ای نیز بوسیله این مزدوران مسلح دستگیر و به اسارت برده شدند. تمام این مدت مردم محل که وحشت زده از این حمله وحشیانه در اطراف ساختمان اجتماع کرده بودند با فریاد و شعار، از دانشجویان حمایت کرده و اعمال فاشیستی این مزدوران را محکوم می نمودند.

آری، ارتجاع که از رشد مبارزات انقلابی مردم به وحشت افتاده است، چون خرس آتش گرفته ای عریده میکشد و هراسان از هجوم سیل آسای خلق، فاجعه های جدیدی می آفریند!

ات کارگران سوار شوند، و به این مبارزات و اعتراضات مهار زده و در پیچ و خم راههای قانونی و چشم دوختن به مجلس و رئیس جمهور سرگردان نشان سازند و در جهت مقاصد ضد کارگری خود بکارش بگیرند.

حزب جمهوری اسلامی میخواهد با این مخالفت کردننها، ماهیت ضد کارگری خود و کل رژیم جمهوری اسلامی را از دید کارگران پنهان ساخته، و آنرا از ضربات خشم و کینه مبارزات کارگران در امان نگاه دارد.

حزب جمهوری اسلامی، با این مخالفت کردننها میخواهد از خشم و کینه مبارزات کارگران برای زدوبند، بده وستان با جناح رقیب خود در هیئت حاکمه سوء استفاده نماید. طبقه کارگر با شناختن ماهیت و مقاصد ضد کارگری حزب جمهوری اسلامی و تمامی گردانندگان رژیم، فریب حیل های آنها را نخواهد خورد و با تکیه بر قدرت عظیم خود، با تکیه بر انرژی انقلابی خود، و با تکیه بر اتحاد و تشکل مستقل خود، حق خود را از حلقوم کارفرمایان و دولت حامی آنها بیرون خواهد کشید.

("ا" ادامه دارد)

نمایند. حال چگونه ممکن است بفرص ۱۰۰ هزار نفر از کارگران بخش خصوصی سودویژه بگیرند و ۴۰۰ هزار نفر کارگران بخش دولتی از گرفتن سودویژه محروم باشند؟ مسلم است که در چنین شرایطی کارگران صنایع دولتی هم برای گرفتن سودویژه مبارزه خواهند کرد.

حزب جمهوری اسلامی که راه دیگری برای انقلابی نمایی و طرفداری از کارگران پیدا نکرده، میخواهد خود را مخالف سرمایه داری بخش خصوصی جا بزند و از این طریق مدتی دیگر کارگران را فریب داده و خود را ضد سرمایه دار قلمداد کند. از طرف دیگر بین صفوف متحد کارگران شکاف انداخته و منافع کارگران بخش خصوصی را مخالف منافع کارگران بخش دولتی جلوه دهد.

اینهاست دلایل و هدفهایی که در پشت مخالف خوانی حزب جمهوری اسلامی با "لغو سودویژه" خوابیده است. حزب جمهوری اسلامی و رهبری کانون هماهنگی شورا های اسلامی میخواهند با این مخالفت کردننها بر موج اعتراضات و مبارزه

اخبار کردستان . . .

■ - ۵۹/۵/۸ - ساعت ۱۰ صبح ارتش و پاسداران مستقر در "خانلر" با شلیک چند گلوله توپ به اطراف روستای "بیژ آوی" بسوی آنجا پیشروی کردند و یک فروندهلی کوپتر بلندپایه‌ای اطراف آبادی را زیر رگبار گرفت. پاسداران جایتکار کمیته نرده وارد ده شدند. خاطره خونین قتل عام قارنا و قلاتان مردم ده را وحشت زده میکند و عده‌ای پیرمردوزن و کودک را جلو آنها میفرستند تا باین وسیله مانع قتل عام مردم روستا شوند. پاسداران با تهدید آنها را کناره زده و به بازدیدخانه های مردم میپردازند. ۲۳ نفر از مردان و جوانان ده را دستگیر میکنند، چشمانشان را می بندند و در خارج آبادی

اطرافشان را به رگبار ۳ - میبندند. و بدینوسیله آنها را شکنجه میدهند و از آن میخواهند که به پاسداران سلاح تحویل دهند و چون نتیجه ای نمیگیرند ۲۰ نفر را همراه خود میبرند.

■ - ۵۹/۵/۱۰ - صبح این روز ستونی از ارتش و پاسداران در حمایت تانکها و چهار هلی کوپتر به شهرک آرموده حمله کردند و بدون هیچ مقاومتی آنجا را اشغال نمودند. بیشتر مردم خانه‌های خود را ترک کرده و مغازه‌ها را بسته بودند. پاسداران قفل بسیا ری از مغازه‌ها را شکستند و اجناس آنرا غارت کردند. سپس چند نفر از روستائیان را دستگیر کرده و برای یافتن محل پشمرگان وحشیانه شکنجه

نمودند. حوالی ظهرا این ستون روستا های "بله‌کئی" و "با - نوان" را زیر آتش توپ و خمپا ره ۱۲۰ میلیمتری گرفت و همزمان با آن هلی کوپترهای جمهوری اسلامی روستاهای مزبور و مزارع آنرا براکست بستند. ستون قصد پیشروی بسوی این دو روستا را داشت که مورد حمله گسترده مردم و پیشمرگان دموکرات کومه له قرار گرفت و ضربات سختی به آن وارد آمد و مجبور به عقب نشینی گردید. این ستون در بازگشت بکمپین پشمرگان افتاد و با ردیگر تلفات سنگینی به آن وارد آمد و با بجا گذاشتن یک اتومبیل ریو و عقب نشینی خود را با عجله ادامه داد. بیهوشمرگان آسیبی وارد نیامد.

در این جریان علیرغم همه جا روجنگالی که رادیو ایران براه انداخته است و آمار

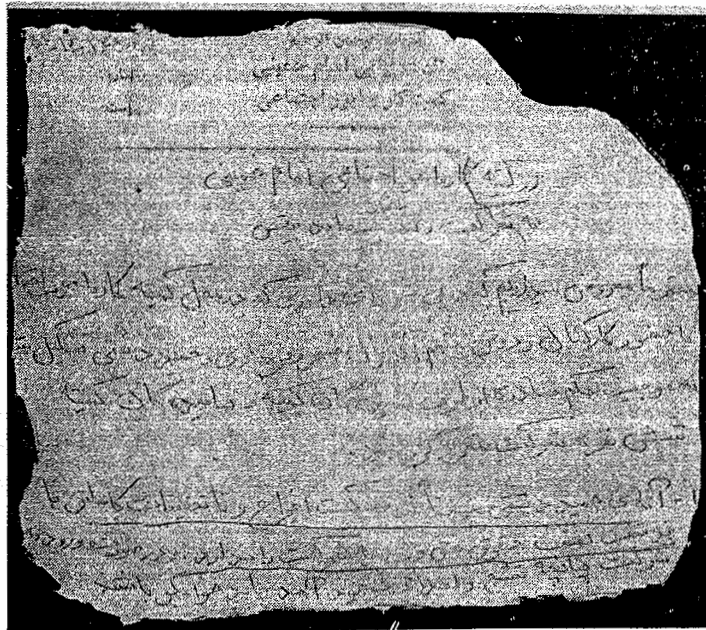
تلفات پشمرگان را گاهی ۱۰۰ نفر و گاهی چهل نفر برآورد میکند، به پشمرگان هیچ آسیبی وارد نیامده است. در حالیکه ارتش و پاسداران دهها کشته و زخمی داشته‌اند. آنها در بازگشت ۳ روستایی زحمتکش از یک خانواده (یک پدر پیرو و دو پسر) را دستگیر و پس از شکنجه فراوان با خود بردند. پس از پایان درگیری یک فروند فانوم بر فراز منطقه به پرواز درآمد و حوالی "گرماب" و "دوبینی" را براکت بست.

در این جریان روحیه مردم بسیار عالی بوده و در بازگشت پشمرگان در سر راهشان گوسفند قربانی کردند. بمباران‌ها و خمپاره‌باران‌های وحشیانه و دستگیری‌ها نتوانسته اراده مردم قهرمان این منطقه را در حمایت بیدریغ از پشمرگان سست نماید.

بقیه از صفحه ۱۰

دادگاه انقلاب . . .

حمید دشتی به سرکار برگردد. و حقوق او پرداخت شود. اما حمید دشتی کیست؟ حمید دشتی فرد مزدور ضد کارگری است که ۱۶ ماه قبل یعنی بلافاصله بعد از قیام بوسیله کارگران و کارمندان به جرم همکاری با رژیم شاه خائن از شرکت اخراج شده است. حمید دشتی کسی است که در زمان شاه خائن، به هنگام اعتصاب قهرمانان کارگران، برای درهم شکستن اعتصاب آنها با ماشین به میان کارگران حمله ور شده و دو نفر را زخمی کرده است. حال دادگاه انقلاب خود زستان به زور سرنیزه میخواهد این عنصر مزدور و ضد کارگران را به سرکار برگرداند. دادگاه انقلاب



را برای برگرداندن دشتی مزدور به سرکار تحت فشار قرار میدهد. این کارگران و کارمندان مبارز شرکت حفاری زیدینگ اندیتس که به همراه چند شرکت حفاری دیگر در چند ماه پیش با یک اقدام انقلابی شرکت ملی حفاری ایران را بوجود آورده اند و هم اکنون نیز شورای کارکنان، اداره شرکت را در دست دارد، به شدت مورد حمله ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند. و با توجه به یورش اخیر رژیم برای منحل کردن شوراهای مترقی و مبارزان سراسر ایران احتمال میرود که رژیم، حملات ضد کارگری خود را بر علیه شورای این کارخانه هم آغاز کند. اما کارگران مبارز شرکت ملی حفاری ایران اینک همچون سد شکستناپذیری در مقابل توطئه‌های پی در پی حکومت مقاومت میکنند.

نمایندگان کارگران به شدت در مقابل این حرکت ضد انقلابی دادگاه انقلاب مقاومت نمودند و دولتی دادگاه انقلاب خوزستان همچنان نمایندگان شوراکارگران

ب خوزستان وقاحت و بی شرمی را تا به آنجا میرساند که طبق شکایت دشتی دستور جلب و توقیف تعدادی از ماشینهای شرکت را به نفع دشتی صادر میکند!

از کودتای . . .

نده از رژیم شاه و پاسداران خودمکتبی باشد. رژیم جمهوری اسلامی، اگرچه از طرف نیروهای ضد انقلاب و عوامل وابسته به امپریالیسم نظیر بختیار مورد تهدید قرار دارد، ولی همه توان و قدرت خود را در جهت سرکوب کارگران و زحمتکشان و سازمانهای انقلابی و کمونیستی بکار میگیرد. و چنانچه است که سقوط خود را نزدیک میسازد. اینک نیز جنبش انقلابی خلق ما در معرض انواع سیاستهای اپورتونیستی قرار دارد. کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) نیز به جای تکیه بر مردم، به جای ایمان به قدرت توده های کارگرو زحمتکش، به بالا و بسته هیئت حاکمه ضد انقلابی چشم دوخته است. و توده ها را برای مقابله و مبارزه با ضد انقلاب حاکم و ضد انقلاب مغلوب آماده نمی سازند. اما کمونیستها با افشگری، با تبلیغ

بخشی از هیئات حاکمه ضد انقلابی را تشکیل میدهند و همراه جناح حزب جمهوری اسلامی به سرکوب انقلاب، سرکوب توده ها، کشتار خلقهای کرد و ترکمن و عرب مشغولند بحران اقتصادی و سیاسی هر روز عمیق بیشتری میگیرد. و امپریالیست ها به انواع توطئه ها مشغولند. یکبار دیگر اوضاع از جنبه هایی به سال ۳۲ شبا هت پیدا کرده است. رژیم جمهوری اسلامی که نه میخواهد و نه میتواند به خواست ها و نیازهای کارگران و زحمتکشان گردن نهد، دست به سرکوب همه جانبه و وحشیانه توده ها و نیروهای انقلابی و کمونیست میزند. این حکومت از قدرت مردم وحشت دارد و به همین دلیل نمی تواند مکتبی به مردم باشد. رژیم جمهوری اسلامی که از مسلح بودن توده ها و سازمانهای انقلابی وحشت دارد، مجبور است به ارتش ضد مردمی بازماند.

و شکل توده ها، با بسیج کارگران و زحمتکشان ضمن مقابله و مبارزه با ضد انقلاب حاکم آماده اند تا با تمام توان خود هر گونه کودتا را به ضد کودتا تبدیل کنند. و تا پای جان و تا آخرین قطره خون خود برای نابودی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مبارزه نمایند. ما معتقدیم با پیگیرانه داخلی کودتا طبقه سرمایه دار را بپایان میآورد. آنها با امپریالیسم منافع مشترک دارند. و حاضرند برای منافع خود دست به هر کاری بزنند. ما معتقدیم تنها شکل انقلاب بی توده ها، بسیج آنها و مسلح کردنشان میتواند در هر گونه کودتایی را که با انکسار ارتش و طبقه سرمایه دار به خاطر منافع امپریالیستها انجام میگیرد، محو و نابود سازد. ما معتقدیم که هر گونه کودتایی را که امپریالیسم طرح ریزی کند، توده ها، قدرت متحد کارگران و زحمتکشان مسلح میتواند شکست دهد. و شکست خواهد داد.

اخبار کردستان . . .

از قبل میخواهد هر نوع حرکت تجا و زکارانه بعدی ارتش و پاسداران در مها با دران نیز تیز شه و توجیه نماید. با این حساب جنگ کردستان از جانب دولت با تمام کشتارهای وحشیانه آن، با تمام اعدامها و شکنجه های آن، با بازماندن هزاران گلوله، خمپاره و توپ با بمبارانهای مزارع و مراکز مسکونی نتیجه برپایی محاکمه، عده ای از جاشه ها بوده است. یعنی بعقیده سا زمان چریکها این جنگ سرکوبگرانه از ماهیت ارتجاعی هیات حاکمه و از شرایط مبارزه طبقاتی در ایران ناشی نمیشود.

دومین نکته ای که در عبارات سازمان چریکها بچشم میخورد از اینهم رسوا کننده تر است. سازمان چریکها تنزل سیاسی را تا به آنجا رسانده

است که آب پاکی بر سر تمام جاشهایی که بوسیله کومه له دستگیر و محاکمه گردیده اند میریزد و ادعا میکند که این افراد بیشتر "محصلین و کسانیهی هستند که دارای اعتقادات مذهبی می باشند. با این ترتیب سازمان چریکها به جاشه ها حق میدهد که جاش باشند و با زبان بی زبانی آنها را بیگناه و انمود کرده و از مردم میخواهد که بخاطر اصطلاح اعتقادات مذهبی کاری به کارشان نداشته باشند. لابد شرکت این جاشها در کشتار و اعدام افراد بی دفاع، شکنجه دختران و بگروگان گرفتن روستائیان، تفتیش منازل و شکستن و خرد کردن و غارت اموال مردم هم، چون بقول سازمان چریکها از موضع اعتقادات مذهبی و بخاطر مخالفت با نیروهای سیاسی کردستان (و از نظر سازمان چریکها همه خلق کرد) بوده پس قابل بخشش است و اگر کسی این مزدوران

را دستگیر و در حضور مردم محاکمه کند جنگ افروزا ست. - ۵۹/۵/۷ در این روز حدود ۱۵ پیشمرگ حزب دموکرات که از نقاط مختلف جمع آوری شده و با انواع سلاح های سبک و سنگین از قبیل خمپاره انداز و آرپی جی مسلح بودند راههای خروجی روستای "بیتوش" واقع در منطقه "آلان" سردشت را بسته و آنجا را محاصره کردند و مقر کومه له را در این روستا مورد تهدید قرار دادند.

روز بعد (۵۹/۵/۸) یکی از مسئولین پیشمرگان کومه له برای مذاکره در مورد علت این جریانات و جلوگیری از پیش آمدن هر نوع برخوردی با مسئولین حزب وارد گفتگو میشود. در پایان مذاکرات با وجود توافق ظاهری عده زیادی از افراد حزب ناجوانمردانه بر مسئول کومه له ریخته و او را دستگیر و زندانی میسازند و تحت شکنجه و آزار قرار میدهند.

بدنبال آن افراد حزب با استفاده از غفلت پیشمرگان ما که فکر میکردند نمایندگان دو طرف مشغول مذاکره و توافق هستند خود را بمحل مقرر رسانده و ضمن تیراندازی با نیروی گان ما را دستگیر و زندانی نمودند. پیشمرگان کومه له با احساس مسئولیت در این جریان متانت خود را حفظ کردند و با رفتار درستی مانع گسترش این برخورد تحمیلی از جانب حزب دموکرات گردیدند.

این جریان بخاطر دفاع پیشمرگان کومه له از زحمتکشان این منطقه در مقابل زورگویی و فشار حزب دموکرات برای گرفتن انواع رسومات مختلف از بابی بوجود آمده است. پیشمرگان زندانی را از "بیتوش" به "قله رشه" و سپس به "بیوران" و از آنجا به روستای "مزار" منتقل کردند. بقیه در صفحه ۱۴

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

تاکنون بیشتر کسانی که به سبیل کومه له دستگیر می‌شدند، اعدام شده‌اند، دارای اعتقادات مذهبی بوده و همواره با این انگیزه و از این موضع با نیروهای سیاسی کردستان مخالفت کرده و یا علیه این نیروها اقدامی کرده‌اند.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در پاسخ به این تهمت‌های ضد مردمی و ضد انقلابی که در خدمت رژیم جمهوری اسلامی است در خبرنامه شماره ۵۰ خود چنین نوشته است:

"در جملات بالا دقت کنید، اولین نکته‌ای که بنظر میرسد اینست که سازمان چریکها مودیان می‌خواهد به خواننده ناآگاه بقبولاند که جنگ کردستان معلول برپایی این محاکمات از جانب کومه له بوده است. زیرا در یکجادر مورد دادگاههای سنج میگویند که "نتایج آنرا دیده ایم". معنی این حرف چیست و این دادگاهها چه نتایج داشته‌اند که سازمان چریکها آنرا منفی میداند؟ سازمان چریکها هیچ اشاره روشنی به نتایج این دادگاهها نمیکند، اما حیل گرانه و بطور پوشیده‌ای همان یاوه‌های مقامات دولتی را تائید میکنند که گویا یورش بکردستان معلول "اقدامات غیرقانونی گروههای مسلح" میباشد. بدتر اینکه در جای دیگر در مورد دادگاهها می‌باید "عوارض جنگ افروزانهای که این حرکت میتواند دنبال داشته باشد" اشاره میکنند و یا این ترتیب بقیه در صفحه ۱۵

حزب توده به دروغ با فسی و تحریف حقایق و تهمت زدن به کومه له می‌پردازد و عملاً آب به آسیاب بورژوازی ریخته و رهنمودهای بهشتی را انجام میدهد. "خبر" ارگان خبری سازمان چریکها (اکثریت) شاخه کردستان مدتهاست که از آگاه کردن توده‌ها و سازماندهی مقاومت مردم قهرمان کردستان علیه تهاجمات رژیم جمهوری اسلامی دست کشیده و بیش از هر چیز در خدمت تهمت زدن به کومه له و شیخ عزالدین حسینی پرداخته است. در "خبر" شماره ۳۱ ساله سازمان چریکها (اکثریت) در مورد دادگاههای انقلابی کومه له علیه جاشها و وابستگان به رژیم سابق و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نوشته است: "جدا از گونگی و شکل محاکماتی" که بوسیله کومه له انجام میگردد و جدا از عوارض جنگ افروزانهای که این حرکت میتواند دنبال داشته باشد (آنهم در شرایط حساس میباشد) آنچه که قابل تعمق و توجه است ماهیت کسانی است که بوسیله "کومه له" محاکمه میشوند. قبلاً نیز بارها کومه له و بویژه در سنجند کسانیکه مخصوصاً در میان محصلین با تهم "جاش بودن" دستگیر و زندانی و یا بمحاکمه کشانده است که نتایج آنرا دیده ایم. کومه له همواره و در به در دنبال این تنوع جاشها گشته است و این در شرايطی بود که بسیاری از سائوکی‌ها و اعمال رژیم منفور شاه با رضایت خاطر این اقدامات کومه له را نظاره میکردند

دو فرزند خلق ترکمن تیرباران شدند!

تبغ جلادان رژیم جمهوری اسلامی با ردیگر مبارزترین و انقلابی ترین فرزندان خلق ترکمن را نشانه گرفته است. بعد از اعدام ۲ قهرمان و مبارز خلق ترکمن، توماج، واحسیدی، مختوم، و جرجانی که با توطئه کثیف عوامل مزدور رژیم و بطور پنهانی و مخفیانه صورت گرفت، با ردیگر دست‌های جلادان رژیم به خون ۲ فرزند دلاور خلق ترکمن آغشته شد.

"عبدالله قزل" و "هالی هالی زاده" دو رزمنده‌ای بودند که به جرم دفاع از خلق ترکمن و خلقهای قهرمان ایران به جوخه اعدام سپرده شدند. "عبدالله قزل" معلم آگاه و انقلابی مینو داشت که در جریان جنگ تحمیلی زمستان گذشته در جنگ رژیم جمهوری اسلامی اسیر شده بود بعد از ۴ ماه اسارت و شکنجه به جوخه اعدام سپرده شد. و هالی هالی زاده عضو دیگر ستاد خلق ترکمن نیز چند روز بعد تیرباران شد.

اینک موج دستگیری مبارزین خلق ترکمن ادامه دارد و ارتجاع که راه چند صبا حی حاکمیت بیشتر خود را دیگر تنها درس کوب نیروهای انقلابی و کمونیست و کارگران و زحمتکشان مبارز هندو سیاه اقدامات ضد انقلابی و یورشهای وحشیانه دست می‌زند.

انحلال شوراها، اخراج کارگران مبارز، اخراج معلمان و استادان انقلابی، دستگیری انقلابیون و اعدام قرا مرزحمیدها تقی شهرامها، و عبدالله قزلها، همه و همه نشانه آخرین تلاشهای رژیم برای حفظ سیستم پوسیده و سرمایه داری وابسته است. سیستمی که می‌رود تا با مبارزات آگاهانه و هشیارانه کارگران و زحمتکشان میهن ما از میان برداشته و همراه با حاکمانش به زباله‌دان تاریخ سپرده شود.

رشد مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، شکست و عقب نشینی‌های پی در پی رژیم در کردستان، از یک سو ضد انقلاب را به سرکوب آشکار میکشاند و از سوی دیگر به افزایش هر چه بیشتر به نیروی توده‌ای سازمان‌های کمونیست و انقلابی چشم انداز میدهد. اینک تابناک را نویسد میدهد. در این میان سازشکاران با وحشت از قدرت گیری نیروهای انقلابی به دست و پا افتاده اند و از هیچ عمل ضد مردمی و بیشرمانه برای آستان بوسی بورژوازی دریغ نمیکنند.

اگر حزب دموکرات از وحشت قدرت گیری کومه له در کردستان به خمپاره انداز، نارجکا انداز و ۱۵۰ پیشمرگ مسلح متوسل میشود، سازمان چریکها (اکثریت) شاخه کردستان چون برادر برگشت



**اخبار
کردستان
قهرمان**

سازمان چریکها (اکثریت)
از جاشها دفاع می‌کند!

**اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده
سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!**